

عدالت از نگاه زنان افغان:

قضایای خشونت علیه زنان که از طریق میانجیگری و فیصله محاکم مورد
رسیدگی قرار گرفته اند



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان



کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل، افغانستان

اپریل ۲۰۱۵

عدالت از نگاه زنان افغان:

قضایای خشونت علیه زنان که از طریق میانجیگری و فیصله محاکم مورد

رسیدگی قرار گرفته اند



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان



کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل، افغانستان

۱ اپریل ۲۰۱۵

فهرست مطالب

i	اصطلاحات
۱	۱. خلاصه گزارش
۶	۱.۱. پیشنهادات
۹	۲. شرایط سالهای ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵
۱۲	۳. روش تحقیق
۱۳	۴. چارچوب حقوقی به منظور رسیدگی به خشونت علیه زنان
۱۹	۵. مشخصات قضایای ثبت شده
۲۱	۶. یافته ها
۲۱	۶.۱. ثبت شکایت
۲۳	۶.۲. حل و فصل شکایات/قضایای خشونت علیه زنان از طریق فیصله محاکم ویا میانجیگری
۲۹	۶.۳. دیدگاه متضررین در مورد حل و فصل قضایا
۳۵	۶.۴. دیدگاه زنان در مورد نتایج قضایای شان
۳۷	۶.۵. مطابقت فیصله های محاکم و رویه های مشاهده شده در میانجیگری با اصول بین المللی
۳۹	۷. چالشهای عمده
۳۹	۷.۱. خلاها در چارچوب حقوقی موجود
۴۱	۷.۲. نبود طرزالعمل های معیاری برای میانجیگری
۴۱	۷.۳. آموزش نامتوازن اشخاصی که در قضایا میانجیگری می کنند
۴۲	۷.۴. عدم تطبیق فیصله ها و توافقات میانجیگری
۴۳	۷.۵. ضعف های سیستم عدالت جزایی
۴۳	۷.۶. تاثیر نگرش های سنتی و مذهبی بالای تصامیم زنان
۴۴	۷.۷. آسیب پذیری اقتصادی
۴۵	۸. نتیجه گیری
۴۷	ضمیمه ۱: نمونه هایی از شرایط وضع شده در فیصله های میانجیگری

اصطلاحات دری، پشتو و عربی

بد	دادن یک زن (برای ازدواج) بخاطر تلافی قتل یا دیگر جرایم به منظور ایجاد صلح و آشتی در میان خانواده ها.
بدل	تبادلۀ زنان در ازدواج که اکثراً دختران و یا خواهران طرفین به عنوان عروس رد و بدل می شوند
حدیث	مجموعه ی از اقوال و افعال پیامبر اسلام حضرت محمد که یکجا با رفتار روزمره آن حضرت (سنت) منبع اصلی هدایت برای مسلمانان را بعد از قرآن تشکیل می دهد.
حدود	مجازات که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده و اجرای آن الزامی می باشد. به قول مشهور هفت نوع جرم مستوجب مجازات حد می باشد مانند: زنا، سرقت، قذف، قطاع الطریقی، بغی، سکر و ارتداد.
حقوق	ریاست عمومی حقوق در کابل موقعیت داشته و منازعات برخاسته از امور فامیلی، دیون و املاک اشخاص حقیقی و حکمی را مطابق اصول محاکمات مدنی و قانون طرز تحصیل حقوق حل و فصل میکند. ریاست های ولایتی حقوق در تمام ۳۴ ولایت افغانستان وجود دارد.
عدت	عدت و یا دوره انتظار مدت زمان مشخصی است که پس از مرگ شوهر یا پس از طلاق رعایت می گردد که با انقضای آن تمام آثار ازدواج منقطع می گردد.
جرگه	مجلس بزرگان
مهر	مبلغ پول یا مالی است که از جانب داماد به زن که قرار است همسر او شود به دلیل عقد نکاح وعده یا پرداخته می شود. مهر معمولاً قبل از نکاح وعده داده می شود ولی می توان آنرا بعداً پرداخت نمود و حتی می تواند سالهای متمادی بدون پرداخت باقی بماند.
شریعت	قواعد برگرفته شده از قرآن، سنت و آموزه های اسلامی.
شورا	شورای محلی
تعزیر	مجازات که اندازه و کیفیت آن توسط حاکم تعیین میگردد.
زنا	مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت. رویه دستگیری و متهم نمودن زنان که از منزل فرار میکنند مبتنی مواد ۴۲۷ و ۲۹ قانون جزای افغانستان می باشد. وقتی این دو ماده در کنار هم تفسیر گردد اساس برای وارد کردن اتهام "اقدام به زنا" یا "قصد ارتکاب زنا" را شکل میدهد.

۱. خلاصه گزارش

"من به میل خود تصمیم گرفتم که شکایت را پس بگیرم زیرا بهتر آن است که دوباره به خانواده ام برگردم. فرزندانم فعلاً متعلم مکتب هستند. اگر شوهرم تحت تعقیب عدلی قرار گیرد و زندانی شود، در آنصورت چه کسی از من و فرزندانم مواظبت خواهد کرد؟"

ب، سن ۲۵ ساله، ولایت تخار، شاکی در مورد لت و کوب و جرحه از سوی شوهرش، دسمبر ۲۰۱۴

از سال ۲۰۱۰ بدینسو، هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) و کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر رویداد های خشونت علیه زنان در سراسر افغانستان و تلاش های دولت افغانستان در راستای رسیدگی به این رویداد ها را نظارت و ثبت نموده است، مخصوصاً تلاشهای را که دولت افغانستان برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که در ۲۰۰۹ نافذ گردید به خرج داد.^۱

در این گزارش، عوامل که زنان افغان را از پاسخگو قرار دادن مرتکبین خشوند برابر آنها و از مطالبه جبران خساره از طرق که قانون برای شان میسر ساخته است، باز می دارد و نیز عواملی که زنان را در این مسیر کمک می کند، از دیدگاه خود زنان که از خشونت شکایت داشتند، بطور ژرف مورد بررسی قرار می گیرد. در این گزارش، تجارب انفرادی ۱۱۰ زن که با مراجعه به نهاد های عدلی و قضائی خواستار عدالت شده بودند، از مرحله ثبت قضیه گرفته الی تحقیق، تعقیب عدلی و فیصله در محکمه و نیز حل و فصل قضیه از طریق مکانیزم های غیر قضائی، به خصوص میانجیگری^۲ که مطابق احکام قانون منع خشونت علیه زن صورت گرفته است، مستند سازی شده است. یوناما تاکید می کند که روش متمرکز بر تجارب مستقیم زنان که دیدگاه ها و نگرانی های آنها را منعکس سازد، می تواند در آوردن اصلاحات لازم در پالیسی ها و نهادها جهت تامین دسترسی بهتر زنان به عدالت بیشتر مفید واقع شود.

^۱ یوناما/کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد در چهار گزارش قبلی اش پیشرفت ها و نیز خلاهایی در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را از سوی محاکم و نهادهای تنفیذ قانون در سراسر کشور ثبت کرد. بطور اخص، افزایش در رقم گزارشدهی و ثبت رویداد های خشونت علیه زنان سبب افزایش اندک در تطبیق قانون از سوی خارتوالی و محاکم شده است. زنان در افغانستان هنوز هم با خشونت گسترده مواجه اند که این خشونت ناشی از تبعیض، نورم های اجتماعی و رسوم و عنعنات ناپسند موجود که مکلفیت های حقوقی و اصل تساوی حقوق زنان و مردان و مساوات در برابر قانون را نقض می کنند، می باشد. به گزارشات آتی یوناما/ کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد مراجعه شود: راهی که باید پیمود؛ گزارشی در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان (دسمبر ۲۰۱۳)، هنوز راه طولانی که باید پیمود - تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان (دسمبر ۲۰۱۲)؛ راه طولانی که باید پیمود - تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان (نومبر ۲۰۱۱)؛ و عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان (دسمبر ۲۰۱۰). همه ی این گزارشات را می توان از آدرس انترنتی ذیل بدست آورد:

<http://www.ohchr.org/EN/Countries/AsiaRegion/Pages/HRReports.aspx>

^۲ در این گزارش، کلمه "میانجیگری" به هر اقدامی گفته می شود که در آن سعی شود منازعه ای از طریق توافق و مصالحه ی جانبین با در نظر داشت حکم مندرج ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان مبنی بر حمایت از ساختار خانواده حل و فصل شود.

در این گزارش تجارب ۱۱۰ زن و دختری که قربانی خشونت شده بودند و شکایات شان از طریق فیصله قضائی^۳ (تعقیب عدلی جزایی) و میانجیگری^۴ مورد رسیدگی قرار گرفته بود، انعکاس یافته است. اعمال خشونت باری که زنان و دختران گزارش دادند، همه مطابق قانون منع خشونت علیه زن، اعمال جرمی شناخته شده و برای آنها در قانون منع خشونت علیه زن مجازات پیش بینی شده است.^۵ یافته های این گزارش بر مصاحبه های متعدد که بین آگست ۲۰۱۴ و فبروری ۲۰۱۵ با زنان و دختران انجام شد و مشاوره های با اعضای خانواده ها، مسئولین دولت، مقامات قضائی و نهاد های تنفیذ قانون در ۱۸ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان و در سطح ملی در کابل صورت گرفت، استوار می باشد.

افغانستان به عنوان کشور که عضو کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می باشد، مطابق حقوق بین الملل مکلفیت دارد که اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان، محافظت زنان در برابر آن و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان، صرف نظر از اینکه خشونت توسط عاملین عرصه خصوصی و یا عامه ارتکاب یافته است را اتخاذ نماید. قانون منع خشونت علیه زن که در ۲۰۰۹ نافذ گردید عمده ترین سند تقنینی برای محافظت زنان در برابر خشونت در افغانستان می باشد. قانون مذکور بیست و دو (۲۲) عمل خشونت بار و رسوم و عنعنات مضر علیه زنان و دختران را جرم انگاری نموده است. به استثنای پنج جرم شدید به شمول جرم تجاوز جنسی و اجبار به فحشا، این قانون به مجنی علیها اجازه می دهد که در هر مرحله ی از تعقیب عدلی، از پیگیری شکایت خود انصراف نماید که این مسئله زمینه میانجیگری در قضایای خشونت علیه زنان را میسر ساخته است. دولت مکلف است که پنج جرم شدید را مورد تعقیب عدلی قرار دهد بدون در نظر داشت شکایت و یا انصراف از شکایت از سوی مجنی علیها.

^۳ در این گزارش، منظور از "فیصله قضائی" اصدار حکم رسمی از طریق طی مراحل قضیه در محکمه می باشد.

^۴ در رابطه به قضایای انفرادی که از طریق میانجیگری حل و فصل گردیده بودند، یوناما جریان میانجیگری و یا نتایج آنرا از طریق نظارت مستقیم و غیر مستقیم جریانات و از طریق تماس با مجریان پروسه میانجیگری از جمله نهاد های تنفیذ کننده ی قانون منع خشونت علیه زن و مکانیزم های سنتی حلی و فصل منازعات، ثبت نمود. معلومات در مورد اجراءات تعقیب عدلی جزایی از طریق تماس با مقامات قضائی و نهاد های تنفیذ قانون و زنان شاکی جمع آوری شده است.

^۵ خشونت های که در قانون منع خشونت علیه زن اعمال جرمی شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است (در محدوده تحقیق ساحوی یوناما) قرار ذیل است: مجبور نمودن به فحشا (a.18)؛ ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند (a. 19)؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سایر مواد ضررناک (a.20)؛ اجبار زن به خود سوزی (a.21)؛ لت و کوب؛ خرید و فرش به منظور یا بهانه ازدواج؛ بد دادن؛ نکاح اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج؛ نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تخویف؛ آزار و اذیت؛ انزواری اجباری؛ اجبار زن به اعتیاد مواد مخدر؛ منع تصرف در ارث؛ منع تصرف در اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری؛ ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده ۸۶ قانون مدنی و نفی قرابت.

^۶ به فقره های (۱) و (۲) ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه شود. پنج جرم شدید عبارت اند از: تجاوز جنسی، اجبار به فحشا، نشر هویت مجنی علیها، آتش زدن و یا استعمال مواد کیمیایی و اجبار به خود سوزی و یا خودکشی (مواد ۱۷ - ۲۱ قانون منع خشونت علیه زن).

یوناما دریافت است که در داخل نمونه آماری قضایا، اکثر قضایای رسیدگی شده^۷ (۵۲ قضیه از ۸۰ قضیه) که عمدتاً قضایای لت و کوب، توهین، تحقیر و تخویف می باشند میانجیگری گردیدند (۶۵ درصد). پنج درصد قضایای حل و فصل شده (چهار قضیه از مجموع ۸۰ قضیه) که شامل لت و کوب و مجبور نمودن به فحشاء می شد از طریق تعقیب عدلی در مراجع عدلی و قضائی مورد رسیدگی قرار گرفته و منتج به تنفیذ مجازات علیه مرتکبین شده است. به استثنای یک مورد، درقضایای جرمی که مطابق به ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن دولت مکلف به تعقیب عدلی و قضائی مرتکبین آن است، هیچ میانجیگری صورت نگرفته است

گزارش دریافت است که چندین عامل سبب می شود که زنان ترجیح دهند قضایای شان از طریق میانجیگری حل و فصل گردد از جمله کاستی هائی که تصور می شود در سیستم عدالت جزایی وجود دارد و مانع رسیدگی به قضایای آنان می شود که این کاستی ها شامل اتهام فساد، سوء استفاده از قدرت و عدم تخصص می باشد. یافته های این گزارش نشان می دهد که زنان به دلیل مکلفیت های متعدد ناشی از جنسیت آنها و مشکلات مالی به طی مراحل سریع قضایای شان بسیار ارزش و اهمیت قایل اند. که میانجیگری به تصور آنها قادر است این سرعت را در رسیدگی به قضایای شان داشته باشد.

یافته های یوناما نیز نشان می دهد که اکثر زنانی که با آنها مصاحبه شده است بیشتر نگران بدست آوردن راه حل های با ماهیت مدنی از قبیل اخذ طلاق، بدست آوردن نفقه و داشتن حضانت فرزندان و یا زندگی در یک محیط عاری از خشونت بوده اند نسبت به اینکه خواستار وضع مجازات های جزایی بر مرتکبین باشند. به همین دلیل، به نظر می رسد که میانجیگری روش مناسبتر و از نظر فرهنگی پذیرفتنی تری را برای بحث و رسیدگی به این قبیل موضوعات ارائه میکند. وابستگی اقتصادی زنان به مردان خانواده در اکثر موارد عامل بازدارنده ی زنان در مطالبه مجازات جزایی برای مرتکبین خشونت بوده است زیرا اگر مرتکب خشونت که عضو خانواده است محبوس شود، امکانات مالی زن بصورت خود کار قطع خواهد شد.

از مجموع ۱۱۰ قضیه، ۳۰ قضیه ی ثبت شده در سیستم عدالت جزایی تا زمان تحریر این گزارش در حالت التوا یا تحت دوران قرار داشت. ده قضیه از جانب محکمه مورد رسیدگی قرار گرفت که منتج به ده مورد محکومیت مطابق قانون منع خشونت علیه زن گردید و هیچ مورد تبرئه در این جمع به میان نیامد. از جمله این ده قضیه، شش مورد آن در مرحله ای استیناف خواهی قرار دارد و چهار قضیه دیگر از طریق فیصله محاکم محل و فصل و نهایی گردیده است. (قسمیکه در فوق ذکر گردید). زنان متضرر نسبت به محکومیت های مرتکبین که شامل حبس طویل می شد ابراز رضایت نمودند ولی در پنج مورد دیگر، آنها مجازات تعیین شده علیه مرتکبین (جریمه نقدی و یا حبس قصیر) را بسیار خفیف دانستند.

^۷ در این گزارش اصطلاح "قضایای رسیدگی شده" در مواردی بکار برده می شود که در آن، توافقی در مورد یک منازعه از طریق فیصله محکمه و یا مکانیزم های غیر قضائی بدست آمده باشد.

بسیاری از قضایا توسط میانجیگری از سوی نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن^۸ (۴۷ درصد) یا موسسات غیر دولتی (۱۷ درصد) مورد رسیدگی قرار گرفته اند در حالیکه مکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات^۹ در ۲۲ درصد قضایای که از طریق میانجیگری حل و فصل شده اند، مورد استفاده قرار گرفته اند. تدویر جلسات مشترک میانجیگری از سوی مقامات و اشخاص دخیل در مکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات (مثلاً افسران پولیس و ملاها) در ۱۵ مورد نشاندهنده پیوند و همکاری نزدیک بین پولیس و اشخاص خصوصی در زمینه حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان می باشد.

مشاهدات یوناما نشان می دهد که روند میانجیگری از سوی اشخاص متعدد صورت می گیرد که این اشخاص در نبود یک روش معیاری میانجیگری و مکانیزم های نظارتی، تصمیم گیری می کنند. یوناما اتخاذ روش های متنوع و خودسرانه ی میانجیگری، مستند سازی و مکانیزم های پیگیری متعدد نیز به ثبت رسانیده است که سبب تضعیف حمایت از حقوق زنان قربانی خشونت شده است. در برخی موارد، میانجیگران نقش خود را با رعایت کامل حقوق و کرامت انسانی هر دو طرف قضیه، به خصوص زنان انجام داده اند، اما همیشه اینطور نبوده است.

بطور مثال، حد اقل در شش قضیه، اخراج زن شاکی از جلسه میانجیگری سبب بروز نگرانی ها در مورد نقض حقوق بشری زن شده است زیرا اخراج وی از جلسه، عمل تبعیض آمیزی است که حق دسترسی مساویانه زن در پیشگاه قانون و مشارکت معنی دار وی در روندی که نتیجه آن بر قربانی تاثیر گزار است را مختل کرده است. یوناما حد اقل یازده مورد دیگر را نیز مشاهده نموده است که در آن تصمیم در مورد انتخاب میانجیگری به جای تعقیب عدلی جزایی قضیه، بر زن تحمیل شده بود که این امر حق انتخاب، حق دسترسی به محاکمه عادلانه و حق تحصیل جبران خساره مؤثر قربانی را مختل نموده و ماهیت اختیاری بودن میانجیگری را نیز از بین برده است. رایج ترین نتیجه حاصله از روند میانجیگری که به مشاهده رسیده است، پیوستن مجدد زن با شخص متهم به ارتکاب عمل خشونت بوده است تا شالوده خانواده ویا انسجام اجتماعی حفظ گردیده باشد.

یوناما توانست ۲۵ فیصله را پیگیری نماید. در حد اقل ۱۳ قضیه، مرتکبین خشونت توافقی که در جریان میانجیگری صورت گرفته بود را رعایت نکردند. با از سرگیری خشونت، زنان تصمیم گرفتند که به خانه امن برگردند، به سیستم عدالت جزایی

^۸ از جمله نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن ریاست امور زنان، ریاست های حقوق، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ادارات پولیس و یا خازنوالی می باشد.

^۹ یوناما اصطلاح "مکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات" را در مواردی استفاده می کند که در آن میانجیگری از طریق اشخاصی صورت گرفته است که شامل مراجع ذیصلاح مندرج قانون منع خشونت علیه زن نمی باشند. در محیط اجتماعی افغانستان، این اشخاص شامل اعضای خانواده، بزرگان محل، جرگه ها، عالمان دین، و اشخاص با نفوذ می شود. اگرچه موسسات غیر دولتی در قانون منع خشونت علیه زن فهرست نشده اند، اما یوناما آنها را در یک کتگوری مجزا از مکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات قرار داده است زیرا این گونه مؤسسات به عنوان سازمان های عرضه کننده خدمات، نسبت به رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان نقش دارند.

شکایت کنند و یا دعوای طلاق باز کنند. دوازده توافق بعد از میانجیگری رعایت شد. یوناما بر لزوم پیگیری و تطبیق فیصله هائی که ضعیف تشخیص شده بودند، تاکید دارد - تا زمینه پاسخگوئی بیشتر مرتکبین و مصئونیت مجنی علیها تامین شود.

گزارش مشاهده نموده است که زنان هنگام ثبت شکایات شان به ندرت درک روشنی از تصمیم خود مبنی بر اینکه می خواهند قضیه ی شان از طریق نظام عدالت جزایی حل شود و یا از طریق میانجیگری، داشتند. مرجع ثبت کننده شکایت معمولاً به عنوان اولین مشاور زن عمل کرده و راه را برای چگونگی دسترسی زن به عدالت برای رسیدگی به شکایت اش هموار می کند. اگرچه زنان اذعان داشتند که حضور زنان در هیئت قضائی محاکم و در جریان روند میانجیگری باعث افزایش اعتماد به نفس آنان می شود، ولی در عین زمان تاکید داشتند که سطح تخصص و اعتماد نسبت به مسئولین تحقیق یا میانجی قضیه، صرفنظر از جنسیت وی، به همان اندازه حائز اهمیت می باشد. در اکثر موارد، گزارش نشده است که حضور مردان با اهلیت و شایسته مانع عمده فرا راه زن در بیان آزادانه نظریات اش و شرح بدرفتاری ها علیه وی شده باشد.

زنان قربانی خشونت بطور اخص، تامین محافظت فزیکى از سوى مؤسسات غير دولتی از طریق سرپناه ها را ارج گذاری کردند که معمولاً، این سرپناه ها یگانه پناهگاه امن برای این زنان بوده اند. زنانی که با آنها مصاحبه صورت گرفت می پذیرفتند که این سرپناه ها در دراز مدت دارای محدودیت بوده و آنان بر ضرورت اتخاذ ترتیبات مستقل تر و زندگی مصئون تر برای خود تاکید داشتند. عمده ترین نقش مؤسسات غیر دولتی در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان که در این گزارش به ثبت رسیده است، نقش مشاوره دهی این مؤسسات به یک چهارم از ۱۱۰ زنی که با آنها مصاحبه شدند، می باشد. این زنان که اکثراً بی سواد بودند، از سوى مؤسسات غير دولتی با قوانین و پروسه های حقوقی مربوط آشنا ساخته می شدند که در اکثر موارد به لطف همین آشنائی با قوانین و مقررات، زنان مذکور می توانستند تصمیم آگاهانه در مورد چگونگی حل و فصل قضایای خود بگیرند.

یافته های یوناما لزوم بازنگری چارچوب حقوقی - که بیشتر روی مجازات جزایی متمرکز می باشد - را نیز برجسته می سازد تا این چارچوب بیشتر پاسخگوی خواستهای زنان برای تامین عدالت باشد. بنابراین، همزمان با اتخاذ تدابیری برای حمایت از توانمند سازی اقتصادی زنان و شامل ساختن آنها در زندگی اجتماعی، تقویت راه حل های مؤثر مدنی (مثلاً اصدار دساتیر محدودیت بر مرتکبین، ملاحظات در موضوعاتی مربوط به حضانت طفل، حق دریافت نفقه بعد از فسخ ازدواج و حق سکونت در خانه زوج) و قابل دسترس ساختن آنها برای زنانی که خشونت را تجربه می کنند، امر ضروری می باشد. لازم است مسئله جرم انگاری "زنا" و "اقدام به زنا" نیز مورد بازنگری قرار گیرد زیرا خطر واقعی [ترس از] تعقیب عدلی و قضائی زن به اتهام ارتکاب آن، حق گشت و گذار آزادانه زنان و حق آنان در اتخاذ تصمیم برای رهایی از محیط خشونت آمیز را به شدت محدود کرده است.

تلاش های دولت برای بلند بردن حضور نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن در سطح محلات باید حفظ گردیده و در سراسر کشور و فراتر از مراکز ولایات توسعه داده شود و از طریق کمپاین های گسترده معلوماتی حمایت شوند. با توجه به تاثیر قابل ملاحظه ای که این نهاد ها روی زنانی که در جستجوی عدالت اند دارند، یوناما بر لزوم استخدام زنان مسلکی در تمام نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن و تدویر برنامه های منظم آموزشی برای زنان و مردان در ارتباط به موضوعات محو خشونت علیه زنان تاکید می کند تا بدین ترتیب ظرفیت نهاد های متذکره جهت رسیدگی به شکایات قربانیان خشونت به شکل مسلکی، با احترام به کرامت انسانی، درک حساسیت موضوع و احترام به قربانیان خشونت تقویت گردد. سطح بلند حساسیت نسبت به مسائل جنس در نهاد هایی که موظف به رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان می باشند، در ساختن اعتماد مردم نسبت به این نهاد ها امر حیاتی بوده و سبب تشویق گزارشدهی قضایای بیشتر خشونت علیه زنان به این نهاد ها خواهد شد.

۱.۱. پیشنهادات

یوناما پیشنهادات کوتاه مدت و درازمدت ذیل را به دولت جمهوری اسلامی افغانستان و شرکای بین المللی ارایه می دهد تا مطابق قوانین داخلی و معیار های بین المللی حقوق بشر حساسدهی و حفاظت بهتر برای زنان و دختران در برابر خشونت فراهم گردد.

دولت افغانستان

پیشنهادهای کوتاه مدت

- باید اطمینان حاصل نماید که اعمال جدی خشونت آمیز که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن و دیگر قوانین مربوطه جرم شمرده شده اند، از سوی نهاد های تنفیذ قانون بصورت درست مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار می گیرند.
- برای تمامی نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن رهنمود های الزام آور صادر نماید که طی آن، به این نهاد ها واضح ساخته شود که چه نوع قضایا باید مورد تعقیب جزایی قرار گیرند و چه نوع قضایا را می توان از طریق میانجیگری حل و فصل کرد.
- مقرر های مفصل در مورد روش ها، معیارها، شرایط، حد اقل مدت زمان و مکانیزم های پیگیری میانجیگری رویداد های ثبت شده ی خشونت علیه زنان برای نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن وضع و تطبیق نماید. در این مقرر ها باید مسئولیت های اشخاص مشخص بعد از ختم روند میانجیگری روشن گردد تا تطبیق فیصله های میانجیگری با گزارش های پیگیری الزامی تضمین شود.

- ترتیب و وضع چهارچوب های مقرراتی از جمله ایجاد یک برنامه صدور جوازنامه دولتی برای میانجی های واجد شرایط میانجیگری و میکانیزم های نظارتی برای تمامی نهاد های که در قضایای خشونت میانجیگری می کنند.
- امریه شماره ۲۰۲/۹۲ دفتر لوی خانونالی در مورد "فرار از منزل" یا "اقدام به زنا" را توسعه دهد و رهنمود های واضح را برای تمامی مسئولین عدلی وقضایی در مورد معیار های اسناد و مدارک لازم برای تعقیب عدلی فعل "زنا" و "اقدام به زنا" صادر نماید تا اطمینان حاصل نماید که این احکام حقوقی مانع طرح شکایت و گزارش دهی خشونت از سوی زنانی که از خشونت رنج می برند، نمی شود.
- با استفاده از دعوت نهاد های مدنی مربوطه، مدیران خانه های امن و شرکای بین المللی به نشست های ماهوار این کمیسیون به عنوان مشاهد، برای گزارش دهی در مورد مسئله خاص و حمایت از کار کمیسیون ها؛ توان پاسخگویی کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن^{۱۱} را به خشونت علیه زنان تقویت نماید. این تلاش ها باید شامل طرح و تطبیق میکانیزم های ارجاع ساختن به منظور کمک به تأمین خدمات از سوی نهاد های مربوطه در مطابقت با ماده ۱۶ قانون منع خشونت علیه زن گردد.
- کمپاین های سرتاسری در سطح کشور را با هدف آموزش و افزایش سطح آگاهی در مورد حقوق زنان و مساوات جندر اجرا نماید. بصورت خاص، سطح آگاهی زنان در مورد موجودیت راه حل ها برای آنها زمانیکه با خشونت مواجه می شوند افزایش.

پیشنهادهای درازمدت

- به خاطر پاسخگویی عاملین خشونت علیه زنان و حفاظت زنان در برابر خشونت ظرفیت نظام عدالت جزائی را تقویت نماید
- اطمینان حاصل نماید اینکه در جریان اصلاحات جاری در قانون جزا، احکامی مرتبط به جرایم علیه زنان با رعایت معاهدات بین المللی حقوق بشری که افغانستان به آن الحاق نموده است، طوری که در ماده ۷ قانون اساسی افغانستان حکم شده است، در این قانون گنجانیده می شود.
- راه حل های مدنی موجود برای زنان آسیب دیده از خشونت بشمول امکان اخذ حکم محکمه در مورد محافظت زن در برابر خشونت و ممانعت از تعمیم خشونت علیه وی [دساتیر اعمال محدودیت بر مرتکب] بسط و گسترش.

^{۱۱} طبق حکم قانون منع خشونت علیه زن و حکم شماره ۵۱۴-۵۴۶ وزیر امور زنان (مورخ ۲۹/ ۰۴/ ۱۳۸۸) به والیان، کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زنان مطابق قانون منع خشونت علیه زن مسئولیت و وظیفه دارند که کلیه تلاش ها به منظور رسیدگی به خشونت علیه زنان در مناطق مربوطه شان را هماهنگ کنند.

- چهارچوب حقوقی را به هدف معرفی راه حل های حقوقی موثر که بر طبق آن، توجه لازم به زنان قربانی خشونت در ارتباط به مسایلی چون حضانت از اطفال، حق نفقه بعد از فسخ ازدواج و حق زندگی در خانه زوج مبذول گردد، باز نگری نماید.
- برای رفع عوامل ریشه ای آسیب پذیری زنان افغان، از جمله رفع هرگونه احکام تبعیض آمیز حقوقی که داشتن حقوق مساوی برای زنان و مردان در ارتباط به موضوعات ملکیت را با مانع می شود، قوانین موجود را تعدیل و قوانین لازم جدید را وضع نماید.
- کار روی سیستم های مدیریت اطلاعاتی که در گزارش های اخیر دولت افغانستان، از جمله در ارتباط به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن از آن استفاده شد را ادامه بدهد؛ یک سیستم کمپیوتری جامع پیگیری قضایای خشونت علیه زنان را در سطح مرکزی ایجاد نماید. این سیستم باید شامل روش واحد برای طبقه بندی کردن خشونت ها باشد و جمع آوری اطلاعات از سوی تمام نهاد های تنفیذ کننده قانون و ادارات مربوطه که به رویداد های خشونت علیه زنان رسیدگی می کنند را الزامی سازد.
- استخدام و آموزش زنان مسلکی در تمام نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن بشمول پولیس ملی، دفتر لوی خازنوالی و محاکم را افزایش دهد تا بدین ترتیب، زنان بیشتری تشویق شوند که رویداد های خشونت را به کارمندان اناث این ادارات گزارش دهند.
- ظرفیت نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن که در قضایای خشونت علیه زنان میانجیگری می کنند را اتقا دهد تا بدین ترتیب، جمع کثیری از میانجی ها - زن و مرد - که آموزش دیده و دارای مجوز میانجیگری باشند، بوجود آید.
- برنامه های توان بخشی مجدد و اتکا به نفس برای زنان آسیب دیده از خشونت - منجمله برای زنان ساکن در خانه های امن - را به منظور حمایت از توانمندی اقتصادی آنها و بازگشت شان به جامعه طرح و تطبیق نماید.
- موجودیت و دسترسی به مشاوره های حقوقی مجانی و وکالت دفاع در محاکم برای قربانیان خشونت در مطابقت با ماده ۶ قانون منع خشونت علیه زن را افزایش دهد.

به تمویل کنندگان بین المللی

- مشورت های تخنیکی و تامین منابع مالی لازم برای اصلاح سیستم عدالت جزائی افغانستان را ادامه دهند تا حفاظت بیشتر زنان در برابر خشونت و رعایت قوانین بین المللی و ملی و معیار های حقوق بشر تأمین گردد.
- به منظور تنظیم میانجیگری قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان، از وضع و تصویب مقررہ های معیاری میانجیگری در مطابقت با نورمها و معیارهای حقوق بشری که در آن روش، معیار ها، حداقل شرایط و میکانیزم

های پیگیری میانجیگری مشخص شده باشد حمایت نمایند و تطبیق این مقررات را با حمایت مالی هدفمندانه تقویت نمایند.

۲. شرایط سالهای ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵

تشکیل حکومت وحدت ملی در ماه سپتامبر ۲۰۱۴ به رهبری رئیس جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه انتظاراتی را در مورد پیشرفت حقوق زنان بر اساس تعهدات آنان در زمان مبارزات انتخاباتی مبنی بر تضمین حضور یا نمایندگی کافی زنان در دولت و حمایت از تطبیق کامل قانون منع خشونت علیه زن، بوجود آورد. هر دو بصورت خاص تعهد نمودند تا به سنت های مضر که باعث خشونت علیه زنان شده و مانع استفاده زنان از حقوق انسانی شان می شود، بصورت جدی رسیدگی کنند. رئیس جمهور غنی در چندین مورد تعهد نمود تا برای مبارزه با مشکلات فرا روی زنان گام های جدی بردارد. به تاریخ ۲۱ مارچ ۲۰۱۵ رئیس جمهور غنی و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه ۱۶ نامزد وزیر باقیمانده شامل چهار زن را که انتصاب شان منتظر تصویب پارلمان^{۱۱} است معرفی نمودند. اما وعده های پیش از انتخابات برای بهبود حقوق زنان بخصوص با ایجاد فرصت های ملموس برای زنان جهت تأثیر گذاری بر برنامه های سیاسی در سطوح بالا تا هنوز عملی نشده است.

گسترش خشونت علیه زنان و سنت های مضر هنوز باعث نگرانی های جدی می باشند. بخصوص دو رویدادی که اخیراً اتفاق افتاد و باعث عصبانیت مردم شد و نكوهش و اعتراض همگانی را در سراسر افغانستان و جهان در پی داشت. این دو حادثه شامل اختطاف و سپس تجاوز جنسی بر چهار زن در ولسوالی پغمان ولایت کابل در اکتوبر ۲۰۱۴ و کشتن یک زن توسط جمعیتی از مردم در نزدیکی زیارتگاه شاه دو شمشیره کابل به اتهام سوزاندن یک نسخه قرآن مجید در مارچ ۲۰۱۵ می باشد. این دو حادثه منجر به راهپیمایی های بی سابقه ای در تقبیح چنین اقدامات وحشیانه علیه زنان شد که طی آن مظاهره کنندگان خواهان تامین عدالت و حسابدهی عاملین هر دو رویداد شدند.

این دو رویداد بصورت برجسته نگرانی های گسترده در مورد مصئونیت زنان در اماکن عامه را نشان داد. با ابتکار رئیس جمهور غنی، یک مقرر در حال تدوین می باشد تا آزار و اذیت زنان در اماکن عامه را ممنوع نماید.

هرچند نا امنی، باور های فرهنگی و ترس زنان قربانی از انتقام جویی یا بدنامی در اجتماع هنوز مانع گزارش دهی رویداد های خشونت علیه زنان و بررسی دقیق و مفصل این گونه رویداد ها می شود، اما در تلاش های دولت برای جمع آوری، پیگیری و گزارش دهی منظم قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور بهبودی های به چشم می خورد.

^{۱۱} ولسی جرگه پارلمان افغانستان

در ماه مارچ ۲۰۱۴، دولت اولین گزارش خود در مورد منع خشونت علیه زنان در افغانستان را منتشر ساخت^{۱۲}. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از وزارت های مختلف دولت، این گزارش از ماه مارچ ۲۰۱۲ تا مارچ ۲۰۱۳ میلادی (سال ۱۳۹۱ هجری شمسی) ۴۵۰۵ مورد خشونت علیه زنان را در ۳۲ ولایت از کل ۳۴ ولایت کشور به ثبت رسانیده^{۱۳} که ۳۳۹۶ مورد آن اعمالی بوده اند که می توانست بر اساس قانون منع خشونت علیه زن مورد تعقیب عدلی قرار بگیرد و اما باقی موارد خشونت تحت قوانین جزاء و مدنی قابل پیگرد بودند.

این گزارش بصورت رسمی استفاده گسترده (۴۱ درصد) از میانجیگری را برای حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان تأیید نمود و طبق این گزارش، ۱۱٫۵ درصد قضایای گزارش شده از طریق پروسه عدالت جزائی حل و فصل گردیده که منجر به مجازات عاملین یا تبرئه آنها شده است. این گزارش دربر گیرنده تعهد دولت برای آغاز یک سلسله اصلاحات گسترده حقوقی، تشکیلاتی یا پالیسی بخاطر بالابردن میزان ممنوعیت و رسیدگی به رویداد های خشونت علیه زنان می باشد. این اصلاحات شامل ایجاد یک بانک اطلاعات جامع برای پیگیری قضایا و حل و فصل آنها؛ تقویت کمیسیون های ملی و ولایتی منع خشونت علیه زنان؛ و افزایش سطح آگاهی در مورد قانون منع خشونت علیه زن می باشد.

دولت یافته های عمده ای دومین گزارش خود در مورد خشونت علیه زنان را به تاریخ ۲۵ نومبر ۲۰۱۴^{۱۴} منتشر کرد که دوره زمانی از مارچ ۲۰۱۳ تا مارچ ۲۰۱۴ میلادی (سال هجری شمسی ۱۳۹۲) را دربر می گیرد. این گزارش در مجموع ۵۴۰۶ قضیه (۳۷۱۵ قضیه آن تحت قانون منع خشونت علیه زن ثبت شده) را به ثبت رسانیده که نشان دهنده ۲۰ درصد افزایش در کل قضایای ثبت شده می باشد. یافته های این گزارش نیز روند استفاده گسترده از میانجیگری را که در گزارش قبلی ذکر گردیده بود تأیید می نماید. هر دو گزارش دولت بصورت برجسته نشان می دهد که زنان بیشتری قدم به پیش گذاشته و به نهاد های قانون منع خشونت علیه زن رویداد های خشونت را گزارش داده اند و در عین حال در هر دو گزارش تصریح شده است که تعداد زیادی از قضایا "در حال بررسی" می باشند.

تلاش های دیگر برای رسیدگی به خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ شامل ایجاد واحد های خاص تعقیب عدلی و قضایی قضایای خشونت علیه زن در داخل ادارات خارنوالی در ۱۸ ولایت می باشد که در مقایسه با ۸ واحد در پایان سال ۲۰۱۳، یک افزایش چشمگیر بشمار می آید. هرچند میزان فعالیت این واحد ها از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت می باشد، اما

^{۱۲} گزارش متذکره را در این آدرس می توان یافت:

http://mowa.gov.af/Content/files/EVAW%Law%20Report_Final_English_17%20%20March%202014.pdf

^{۱۳} هرگونه رویداد خشونت علیه زن که به یک نهادی گزارش شده که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن صلاحیت رسیدگی به این گونه قضایا را دارد، به عنوان یک قضیه ثبت شده در گزارش های دولت با آن برخورد شده است.

^{۱۴} نسخه های این یافته ها بصورت عمومی توزیع نشده است.

فعالیت های نظارتی یوناما نشان می دهد که موجودیت این واحد ها عاملی است در تشویق زنان قربانی خشونت برای ثبت قضایای خشونت علیه شان^{۱۵}.

رشیده منجو گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان و عوامل و پیامد های آن، به دعوت دولت اسلامی افغانستان از تاریخ ۵ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ از افغانستان باز دید نمود. ایشان با مسئولین بلند پایه دولت، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نمایندگان جامعه مدنی، دیپلمات های مقیم کابل، هرات و جلال آباد و قربانیان خشونت و جمعی از ارائه کنندگان خدمات دیدار و گفتگو نمود. گزارشگر ویژه ضمن یادآوری از پیشرفت های حقوقی و تشکیلاتی انجام شده مانند ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ایجاد یک وزارت برای امور زنان در سطح ملی و ریاست های امور زنان در سطح ولایات و تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، نسبت به اینکه زنان افغان هنوز نظام عدالت رسمی را غیر قابل دسترس و فاسد بخصوص در ارتباط به قضایای مربوط به حقوق زنان می دانند - و به همین دلیل به میانجیگری روی می آورند - ابراز نگرانی کرد^{۱۶}. قرار است گزارشگر ویژه گزارش نهایی خود را به شورای حقوق بشر در ماه جون ۲۰۱۵ ارائه کند.

قانون منع خشونت علیه زن بر اساس فرمان تقنینی رئیس جمهور تصویب شده و نافذ می باشد. در حال حاضر راجع به ادغام قانون منع خشونت علیه زن به کود قانون جزاء که توحید آن تحت باز نگری و تدوین است^{۱۷}، پیشنهاداتی مطرح شده است که احکام جزائی قانون منع خشونت علیه زن کود مذکور شامل ساخته شود.

در ماه می ۲۰۱۴، قانون اجراء جزائی و فرمان تقنینی حامد کرزی رئیس جمهور پیشین در مورد تعدیل ماده ۲۶^{۱۸} این قانون منشتر و به تاریخ ۵ جون ۲۰۱۴ نافذ گردید. این تعدیل نشان دهنده یک پیروزی چشمگیر برای دسترسی زنان به عدالت در

^{۱۵} به گزارش یوناما تحت عنوان، راهی که باید پیمود: تجدید گزارش درباره تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، (دسمبر ۲۰۱۳) مراجعه کنید.

^{۱۶} به این آدرس مراجعه کنید:

<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages?DisplayNews.aspx?NewsID=15284&LangID=E#sthash.xbuleBe.dpuf>

^{۱۷} بر اساس منظوری شماره ۷۸۹/۸۴۷ مورخ ۱ جون ۲۰۱۰ رئیس جمهور.

^{۱۸} ماده ۲۶: (۱) اشخاص ذیل می توانند از ادای شهادت امتناع ورزند:

شخصی که با ادای شهادت مسئولیت قانونی وی مبنی بر عدم فاش ساختن اسرار مندرج قوانین نافذه نقض گردد، مانند مشاور حقوقی، داکتر معالج، اهل خبره، داکتر صحت روانی، و امثال آن.

اصول و فروع متهم تا دو درجه و زوج و زوجه گرچه رابطه روجیت بین آنها قطع گردیده باشد.

قریبی که از اثر ارتکاب جرم متضرر گردیده و یا خود شاکی یا اطلاع دهنده حدوث واقعه باشد، از این حکم مستثنی می باشد.

(۲) مامور ضبط قضائی، خازنوالی و محکمه مکلف اند اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده را از داشتن حق امتناع از شهادت مطلع سازند.

(۳) هرگاه محکمه تشخیص نماید که شهادت اشخاص مندرج جز (۱) فقره (۱) این ماده در تثبیت جرم یا بی گناهی شخص مظنون یا متهم اهمیت داشته و یا منفعت اجتماعی آن نسبت به حفظ حریمت بیشتر باشد، می تواند مسئولیت حفظ اسرار اشخاص مذکور را مرفوع نماید، در این حالت محکمه می تواند شهادت شاهد را در اتاق مخصوص و در صورت ضرورت، بدون حضور طرفین استماع نماید.

(۴) شهادت اشخاص ذیل قابل سمع نمی باشد: وکیل مدافع در قضیه که از موکلش دفاع می نماید؛ شخص که به حیث شریک جرم شناخته شده و شهادت وی متضمن دفع اتهام از خود باشد؛ شخصی که اهلیت حقوقی ادای شهادت را نداشته باشد؛

ارتباط به قضایای خشونت خانوادگی می باشد، زیرا این تعدیل، ماده ۲۶ را که در گذشته اجازه بازجویی از اقارب نزدیک متهم را نمی داد، اصلاح نمود.

طی سال ۲۰۱۴، وزارت امور داخله در ارتباط به وضع پالیسی ها و رهنمود ها به هدف افزایش میزان حفاظت و برخورد مناسب با زنان پولیس در تشکیل پولیس ملی افغان، پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته است. این گونه تلاش ها در پاسخ به نگرانی های جدی انجام شد که چندین نهاد همکار بشمول یوناما در ارتباط به میزان بالای خشونت و آزار جنسی و بدرفتاری مسئولین و پولیس مرد با زنان پولیس، مطرح نموده بودند. در ماه جنوری ۲۰۱۴، محمد عمر داودزی وزیر داخله "استراتژی انسجام امور پرسونل اناثیه در پولیس ملی" را منظور نمود که هدف آن ایجاد یک محیط مصئون برای زنان شاغل در صفوف پولیس ملی افغان بوده است. در ماه اگست ۲۰۱۴ پلان عمل برای تطبیق استراتژی مذکور تصویب گردید که میکانیزم های اجرایی برای بهبود سطح مشارکت، حفاظت و مسکلی بودن زنان در داخل نیروهای پولیس ملی را تعیین می نماید. تا اکنون تطبیق این پلان عمل بسیار به کندی صورت گرفته است.

۳. روش تحقیق

انتظار می رود که یافته های این گزارش تلاش های قبلی یوناما برای نظارت منظم و ثبت قضایای خشونت علیه زنان و دختران در سراسر افغانستان را که از سال ۲۰۱۰^{۱۹} آغاز شده تکمیل نماید. این گزارش با تمرکز بر قربانیان خشونت، عواملی که را به زنان قربانی خشونت امکان دسترسی به عدالت را - چه از طریق حکم محکمه یا میانجیگری - می دهد ویا مانع دسترسی آنها به عدالت می شود، مورد تحلیل کیفی و ژرف قرار داده است.

این گزارش بر اساس اطلاعاتی می باشد که از ماه اگست ۲۰۱۴ تا فبروری ۲۰۱۵ از ۱۸ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان جمع آوری شده است؛ ولایات متذکره عبارت اند از بدخشان، بغلان، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، خوست، کنر، کندز، لغمان، ننگرهار، پکتیا، سمنگان و تخار.

این تحقیق با تمرکز بر تجربیات فردی زنان قربانی که در جستجوی عدالت اند انجام شده است. یوناما باور دارد این رویکرد؛ یعنی تمرکز روی تجربیات زنان، می تواند در بلند کردن صدا و نگرانی های آنان کمک کند و بدین ترتیب، در آوردن اصلاحات در پالیسی ها و برنامه های حمایتی که هدف آن بهبود دسترسی زنان به عدالت می باشد، مفید واقع شود.

این گزارش بر اساس مصاحبه با ۹۶ زن و ۱۴ دختری تهیه شده است و تجربیات آنها را در زمان طی مراحل قضایای شان در تمام مراحل رسیدگی چه در میکانیزم های عدالت رسمی و یا غیر رسمی مطابق قانون منع خشونت علیه زن (ثبت، تحقیق، تعقیب عدلی الی صدور فیصله محکمه) ثبت نموده است. انتخاب قضایا بر اساس ارجاع قضایا از سوی نهاد هایی که شکایات

^{۱۹} به پاورقی شماره ۱ مراجعه کنید.

زنان را ثبت می کنند و یا مراجعه مستقیم قربانیان به یوناما بوده است. تمامی مصاحبه ها بر اساس رضایت آگاهانه ی زنان و اولیای آنها - در قضایای اطفال صغیر - انجام شده است.

موازی با تلاش های گذشته و فعلی یوناما برای نظارت و ثبت چگونگی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، قضایای بررسی شده در این گزارش اعمال مختلفی از خشونت را در بر می گیرد که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن جرم بوده و باید مجازات شوند.^{۲۰} جرایم "تجاوز جنسی" و "جراحت یا معلولیت"^{۲۱}، هرچند بر اساس قانون منع خشونت علیه زن جرم شمرده می شوند، ولی مجازات آن بر اساس قانون جزا تعیین شده است و به همین دلیل در تحقیق برای این گزارش گنجانیده نشده اند.

جمع آوری اطلاعات از طریق چندین مورد مصاحبه حضوری یا تلفنی با زنان قربانی انجام شده است. همینطور با اعضای خانواده این زنان، دولت، مسئولین قضایی و نهاد های اجرا کننده قانون و میانجی ها در ولایات انتخاب شده و در سطح ملی در شهر کابل نیز مشوره هایی انجام شده است.

علاوه بر آن، نظارت مستقیم بر ۲۲ جلسه میانجیگری و نظارت نزدیک بر ۱۰۴ جلسه میانجیگری که از سوی نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن یا میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات برگزار گردیده بود، این امکان را میسر ساخت که مشاهده و تجربه دست اول از این اجراءات، از جمله مشارکت زنان در پروسه و نتایج میانجیگری ها بدست آید

یوناما در تمام فعالیت های خود، اصول محرمیت و عدم مداخله را رعایت نمود. بطور اخص، با توجه به حساسیت بسیار جدی در موضوع انجام مصاحبه با زنانی که از خشونت رنج برده اند، تیم های یوناما بر اساس این اصل که "هیچ آسیبی نرسان" رفتار نمودند تا بار دیگر باعث صدمات روحی افراد نشوند. بنابراین، حین راه اندازی مصاحبه ها و انتخاب مصاحبه کنندگان، به نیازمندی های زنان توجه لازم مبذول گردید. مصاحبه با دختران قربانی خشونت در حضور اولیاء، یک عضو خانواده و یا هم مشاور حقوقی آنها انجام شد. برای درک بهتر تجربیات زنان قربانی، پرسش هایی با پاسخ باز از آنها پرسیده شد تا تشویق شوند دیدگاه شان در مورد تجربیات شان برای دسترسی به عدالت را بصورت آزادانه بیان نمایند.

۴. چارچوب حقوقی به منظور رسیدگی به خشونت علیه زنان

این نکته قابل ذکر است که استفاده از میانجیگری در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان یکی از موضوعات داغ مورد بحث می باشد. نگرانی ها بیشتر ناشی از عدم توازن قدرت بین مرتکب خشونت و متضرر و همینطور منصفانه، فراگیر و موثر بودن این روند می باشد.

^{۲۰} به پاورقی شماره ۵ مراجعه کنید.

^{۲۱} ماده ۱۷ و ۲۲ قانون منع خشونت علیه زن .

افغانستان بر طبق حقوق بین الملل، مکلفیت دارد که اقدامات لازم برای جلوگیری از خشونت علیه زنان، محافظت زنان در برابر خشونت و رسیدگی خشونت را روی دست گیرد، چه مرتکب آن اشخاص عامه باشد و یا خصوصی. این مکلفیت افغانستان، علاوه بر سایر اسناد تقنینی، برخاسته از کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می باشد که افغانستان بدون قید و شرط به آن الحاق نموده است.

هر چند مانجیگری توسط مجموعه از نورم های بین المللی الزام آور و مدون تنظیم نشده است، اما یک سلسله اصول کلی و ضمنی که مختص به خشونت علیه زنان نمی باشد موجود است که با در نظر داشت تجربه کنشگران میانجیگری رارهنمود برای آنها در سطح ملی و بین المللی می باشد.^{۲۲} این اصول شامل آمادگی، اجازه، بیطرفی، جامع بودن، موجودیت یک چارچوب قانونی، مرتبط بودن، هماهنگی، و کامل بودن تلاش های میانجیگری و کیفیت توافقات می گردد.

در اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرایم و سوء استفاده از صلاحیت^{۲۳} پذیرفته شده که میکانیزم های غیر رسمی به شمول میانجیگری "در مواردی که مناسب باشد"^{۲۴} به منظور حل و فصل منازعات و زمینه سازی مصالحه و رسیدگی به متضررین مورد استفاده قرار گرفته می تواند. به اساس اصول که در اعلامیه فوق الذکر تصریح گردیده است، میکانیزم های غیر قضایی باید به گونه داوطلبانه بوده و بر مبنای اصول اشتراک معنی دار، تساوی و عدم اعمال تبعیض در جریان میانجیگری و نتایج میانجیگری استوار باشد. این اعلامیه هم چنان خواهان ایجاد و تقویت میکانیزم های عدلی و قضائی و اداری می باشد تا متضررین را قادر به اخذ جبران خساره از طریق طرز العمل های رسمی و غیر رسمی که سریع، عادلانه، کم هزینه، و قابل دسترس هستند، بسازد.

قوانین داخلی

قانون منع خشونت علیه زن در سال ۲۰۰۹ و طی فرمان ریاست جمهوری نافذ گردید که یک قانون کلیدی برای رسیدگی به موضوعات خشونت علیه زنان در افغانستان شناخته می شود. این قانون ۲۲ عمل خشونت بار و رسوم مضر^{۲۵} در برابر زنان را

^{۲۲} در میان اسناد راجع به میانجیگری، به رهنمود ملل متحد در مورد میانجیگری موثر (سپتامبر ۲۰۱۲) که در وب سایت ذیل قابل دسترس است، مراجعه شود:

<http://www.un.org/wcm/webdav/site/undpa/shared/undpa/pdf/UN%20Guidance%20for%20Effective%20Mediation.pdf>

^{۲۳} این اعلامیه توسط قطعنامه شماره ۳۴/۴۰ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی پذیرفته شد؛ متن این اعلامیه در وب سایت ذیل قابل دسترس می باشد:

<http://www.un.org/documents/ga/res/40/a40r034.htm>

^{۲۴} به اعلامیه اصول اساسی در مورد عدالت برای متضررین جرایم و سوء استفاده از صلاحیت در بخش ۷ مراجعه شود.

^{۲۵} به قانون منع خشونت علیه زن (اگست ۲۰۰۹) جمهور اسلامی افغانستان مراجعه شود: زنا؛ اجبار به فحشاء؛ به آتش کشیدن، استعمال مواد کیمیاوی یا سایر مواد ضررناک؛ افشای هویت مجنی علیها به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند؛ اجبار به خود سوزی؛ جراحت و معلولیت؛ لت و کوب؛ خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج؛ بد دادن؛ نکاح اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج؛ نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر یا تخويف؛ آزار و اذیت؛ انزوای اجباری؛

جرم انگاری نموده و مکلفیت های دولت جهت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و حمایتی به سود زنان متأثر از خشونت را مشخص می سازد. قانون منع خشونت علیه زن به عنوان یک قانون خاص، برای اعمال جرمی زن، جراحت و معلولیت به قانون جزاء ارجاع میدهد. بخش های دیگر قانون جزاء سایر اعمال خشونت آمیز مانند قتل و اختطاف را که علیه زنان ارتکاب میآید و در قانون منع خشونت علیه زن تسجیل نشده است، نیز جرم می پندارد.

به اساس فقره های (۱) و (۲) ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن، مجنی علیها می تواند در هر مرحله از تعقیب عدلی از شکایت خویش منصرف گردد اما پنج مورد خشونت علیه زن از این حکم مستثنی بوده که در این حالات حکومت بدون در نظر داشت شکایت مجنی علیها یا انصراف وی از شکایت، مکلف است اقدام نماید؛ این موارد عبارت اند از: جرایم تجاوز جنسی، اجبار به فحشاء، افشای هویت متضرر، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی و اجبار به خودسوزی یا خودکشی^{۲۶}.

سایر جرایم که در مواد ۲۲ الی ۳۸ قانون منع خشونت علیه زن تصریح گردیده، صرف در صورتی مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار می گیرد که متضرر یا عضوی از خانواده وی شکایت نمایند. در عمل، هر نوع انصراف از شکایت معمولاً ناشی از میانجیگری توسط مقامات دولتی یا میکانیزم های غیر رسمی حل و فصل منازعات می باشد. اگر یک تصمیم [انصراف] از طریق پروسه میانجیگری پس از آن اتخاذ شود که شخص مرتکب توسط محکمه محکوم به مجازات شده باشد، مجازات تعیین شده توسط محکمه قابل اجراء نمی باشد^{۲۷}.

هر چند در قوانین افغانستان هیچ حکم صریح وجود ندارد که میانجیگری در قضایای جرمی را تعریف نموده و آن را مجاز یا ممنوع قرار دهد، اما ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن و ماده ۵۴ قانونی اساسی^{۲۸} که در مورد مکلفیت اساسی دولت جهت تامین سلامت خانواده و یکپارچگی خانواده صراحت دارد، طوری تفسیر شده اند که میانجیگری توسط مقامات، میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات و سایر میانجیگران را اجازه میدهد.

اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر؛ منع تصرف در ارث؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری؛ و ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت احکام مندرج ماده ۸۶ قانون مدنی.

^{۲۶} به پاورقی ۶ مراجعه شود.

^{۲۷} به قانون منع خشونت علیه زن مراجعه شود: ماده ۳۹ (۱) رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد (۲۲ الی ۳۹) این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می گیرد. (۲) مجنی علیها می تواند در موارد مندرج فقره (۱) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد. در این صورت، رسیدگی به دعوی و تطبیق جزاء متوقف می گردد.

^{۲۸} ماده ۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان چنین صراحت دارد: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند. ماده ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان چنین صراحت دارد: در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

قوانین افغانستان^{۲۹} هم چنان در مورد ضمانت های حقوق برای متضررین خشونت در جریان تعقیب عدلی و قضایی قضایای آنها به شمول حق برخورد عادلانه و شرافتمندانه؛ حق مصئونیت شخصی، حق مشارکت معنی دار در جریان رسیدگی قضایی، حق جبران خساره؛ حق دسترسی به اطلاعات در خصوص اجراءات؛ حق محرمیت؛ و حق دسترسی به خدمات رایگان حقوقی، صحتی، روانی و اجتماعی صراحت دارد.

[در قوانین افغانستان] هیچ نوع راه حل های مدنی (مثلاً دساتیر اعمال محدودیت بر مرتکب برای محافظت متضرر) وجود ندارد تا مصئونیت زنان متأثر از خشونت و اطفال شان را تامین نماید که این امر در عمل متضررین را در معرض خشونت بیشتر قرار می دهد. به اساس اجراءات خوب بین المللی، چارچوب موثر جبران خساره باید در بر گیرنده احکام مشخص در خصوص مدیریت نگهداری اطفال، حق کسب نفقه پس از فسخ نکاح، و حق زندگی در خانه شوهر باشد که این موارد به گونه وسیع روی تصامیم زنان جهت ادامه یا فرار از شرایط خشونت بار تاثیر دارد.

به اساس چارچوب حقوقی که بالای تمام زنان افغان - چه با خشونت مواجه باشند یا نباشند - قابل تطبیق است، حضانت اطفال پسر الی سن ۷ سالگی و دختر الی سن ۹ سالگی حق مادر می باشد^{۳۰}. با وجود آن، در اکثر موارد پدر به اساس رسوم فرهنگی مسئولیت سرپرستی اطفال را به عهده می گیرند و اکثر زنان در این موارد به محکمه جهت بدست آوردن حق حضانت اطفال مراجعه نمی کنند.

پس از انحلال نکاح، شوهر مکلف است تا نفقه^{۳۱} زن را الی مدت عدت^{۳۲} بپردازد. نفقه در قانون مدنی تعریف گردیده که رفع احتیاجات ضروری زن می باشد^{۳۳}. نداشتن حق قانونی زندگی در خانه شوهر بدون رضایت شوهر و خانواده وی زنان را در قضایای خشونت آسیب پذیر می سازد چنانچه در اکثر موارد درج شکایت به معنی از دست محل سکونت یا سرپناه برای زن تلقی می شود.

^{۲۹} در زمره سایر مواد، ماده ۶ قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۲۲ قانون اساسی، مواد ۶ و ۶۶ قانون اجراءات جزائی.

^{۳۰} ماده ۲۴۹ قانون مدنی افغانستان

^{۳۱} ماده ۱۲۶ قانون مدنی افغانستان: "مطلقه از تاریخ طلاق تا ختم عدت مستحق نفقه می گردد."

^{۳۲} ماده ۱۹۸ قانون مدنی افغانستان: "عدت عبارت از مدت معینی است که انقضای آن تمام آثار مرتبه ازدواج را از بین می برد."

^{۳۳} ماده ۱۱۸ قانون مدنی افغانستان: "نفقه زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن و تداوی متناسب به توان مالی زوج."

با ارجاع به آیات متعدد از قرآن مجید^{۳۴} و احادیث نبوی در مورد برخورد شفقت آمیز، مهربانانه، محترمانه و شرافتمندانه^{۳۵} با زنان، اسلام از کرامت انسانی حمایت می کند. در قرآن کریم آمده است که زنان و مردان باهم مساوی اند و باید با آنها برخورد مساویانه صورت گیرد.

قرآن کریم و احادیث نبوی روی حل و فصل منازعات از طریق راه حل های مسالمت آمیز که عادلانه باشند، تاکید می کنند.^{۳۶} در دین اسلام "میانجیگری"، "صلح" و "تحکیم" سه واژه ای است که به حل و فصل مسالمت آمیز منازعه میان طرفین دلالت دارد. هر چند در جزئیات این واژه ها از هم فرق دارند، هر سه این کلمات ابزار برای حل و فصل صلح آمیز منازعات است که شریعت اسلامی روی آن تاکید نموده و می توان آن را پیاده کرد.

بعضی از آیات قرآن مجید و احادیث نبوی مستقیماً در مورد منازعات در جامعه آمده ولی می توان احکام این آیات و احادیث را در منازعات خانوادگی نیز عملی نمود. با توجه به ارزش والای که اسلام به خانواده قایل است، آیات مشخص و جداگانه در قرآن مجید برای حل و فصل مخالفت ها در زندگی زناشویی نازل شده است.^{۳۷}

از همین رو، اسلام حل و فصل مسالمت آمیز منازعات را به ویژه در خانواده تشویق نموده و در عین زمان تاکید می کند که چنین راه حل ها نباید حقوق یک طرف را زیر پا نماید و باید طرفین به میل خود این راه حل را قبول کنند. پروسه طوری

^{۳۴} به طور مثال، ترجمه: "و هر کس - مرد یا زن - از عمل های شایسته [چیزی] به جا آورد در حالی که مومن باشد، چنین کسانی داخل بهشت می شوند و حتی به اندازه نقطه پشت خسته خرما مورد ستم واقع نمی شوند و از استحقاق شان کم نمی گردد." (سوره نساء آیه ۱۲۴)؛ ترجمه: "ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن [آدم و حوا] آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ به تحقیق گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است." (قرآن کریم، سوره الحجرات، آیه ۱۳).

^{۳۵} در میان سایر آیات، آیه ذیل به عنوان نمونه ذکر می گردد: (ترجمه): "... و با آنان [زنان تان] به نیکی معاشرت کنید و اگر از آنها کراهت دارید [باز هم با آنان بسازید، زیرا] بسا موارد هست که شما چیزی را مکروه دارید و خداوند در آن خیر فراوانی قرار می دهد." (قرآن مجید، سوره نساء، آیه ۱۹).

^{۳۶} آیه ۹ سوره الحجرات: (ترجمه) "و هر گاه دو گروه از مومنان با هم به نزاع و جنگ پرداختند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد؛ و هر گاه باز گشت [و زمینه صلح فراهم شد]، در میان آن دو به عدالت صلح بر قرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد."

آیه ۱۰ سوره الحجرات: (ترجمه) "مومنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که مشمول رحمت او شوید!"؛ کتاب سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه ۷۸۸: (ترجمه) "آشتی میان مسلمین مجاز است مگر در مواردی که حق باطل و باطل حق گفته شود، جواز ندارد."؛ آیه ۵۸ سوره نساء: (ترجمه) خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند اندرز های خوبی به شما می دهد! خداوند شنوا و بیناست."؛ آیه ۳۵ سوره نساء: (ترجمه) و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو [همسر] بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید [تا به کار آنان رسیدگی کنند]. اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است [و از نیات همه با خبر است].

^{۳۷} به طور مثال، آیه ۱۲۸ سوره نساء: (ترجمه) و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند [و زن یا مرد از پاره ای از حقوق خود به خاطر صلح صرف نظر نمایند]. و صلح بهتر است؛ اگر چه مردم [طبق غریزه حب ذات، در این گونه موارد] بخل می ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیز گاری پیشه سازید [و به خاطر صلح گذشت نمائید]، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است [و پاداش شایسته به شما خواهد داد].

تشریح شده که طرفین را تشویق می کند تا از بعضی از خواهشات شان چشم پوشی نمایند تا به یک راه حلی نایل آیند که همدیگر پذیری و حیثیت افراد و گروه را دوباره احیا کند.

شریعت اسلامی در مورد قضایای حقوقی، تجارتی و جرمی به پیمانه وسیع روی میانجیگری و صلح تاکید می کند ولی در جرایم حدود و قتل عمد از این امر مستثنی می باشند.^{۳۸} شریعت روی این موضوع تاکید دارد که صلح یا میانجیگری باید به اساس عدالت صورت گیرد و میانجی کننده یا وساطت کننده مسئولیت خطیری به عهده دارد که باید عادل، بیطرف و منصف باشد.

پروسه حقوقی برای قضایای خشونت علیه زنان

در چارچوب حقوقی موجود، زن که از خشونت مشخص متاثر گردیده، به اساس قانون منع خشونت علیه زن حق دارد تا به منظور رسیدگی به قضیه اش به ریاست امور زنان، ریاست حقوق^{۳۹}، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پولیس یا خارنوالی مراجعه نماید. این نهاد ها معمولاً یا میانجیگری می کنند و یا هم زنان را بنا به خواست شان به مراکز مربوط مانند "خانه امن" راجع می سازند. در واقع، هر کدام از این نهاد ها تلاش می کنند تا در قدم نخست قضیه را از طریق میانجیگری و گفتگو^{۴۰} حل و فصل نمایند تا اتحاد خانواده حفظ شود البته در صورتی که قضیه شامل یکی از پنج عمل نباشد که به اساس قانون منع خشونت علیه زن باید مورد پیگرد عدلی و قضائی قرار گیرد^{۴۱}. اگر متضرر تصمیم بگیرد که شکایت خود را از طریق سیستم عدالت جزائی به پیش برد، این نهاد ها قضیه وی را به پولیس یا در بسا موارد به خارنوالی راجع می کند.

یک زن متضرر می تواند مستقیماً به پولیس یا خارنوال مراجعه کند. زمانی که شکایت نزد پولیس ثبت شد، پولیس قضیه را غرض تحقیق به خارنوالی مربوطه ارجاع می کند (مگر اینکه قضیه از طریق میانجیگری حل و فصل شود که این میانجیگری از طریق نهاد های ذکر شده در قانون منع خشونت علیه زن، میکانیزم های حل و فصل غیر رسمی منازعات و موسسات غیر دولتی صورت گرفته باشد). هنگامی که خارنوال قضیه را دریافت می کند، موصوف به اساس تحقیقات ابتدائی و صلاحدید تصمیم می گیرد که قضیه به اساس قانون منع خشونت علیه زن یا قانون جزاء و یا هم به اساس هر دو قانون مورد تعقیف عدلی قرار گیرد و می تواند قضیه را به محکمه محول نماید تا محاکمه صورت گیرد.

^{۳۸} جرایم که به اساس احکام شرعی مخالفت با فرمان خدا محسوب شده و مجازات آن جبری بوده و اختیاری نمی باشند. هفت جرم شامل حدود می شوند که عبارتند از: زنا، سرقت، قطاع الطریقی، قذف، خروج [شورش]، نوشیدن شراب، و ارتداد.

^{۳۹} ریاست عمومی حقوق در کابل موقعیت داشته و منازعات ناشی از دیون، ملکیت ها، و خانواده های افراد حقیقی و حکمی را به اساس قانون مدنی و قانون طرز تحصیل حقوق حل و فصل می کند. مدیریت های حقوق در ۳۴ ولایت افغانستان موجود است.

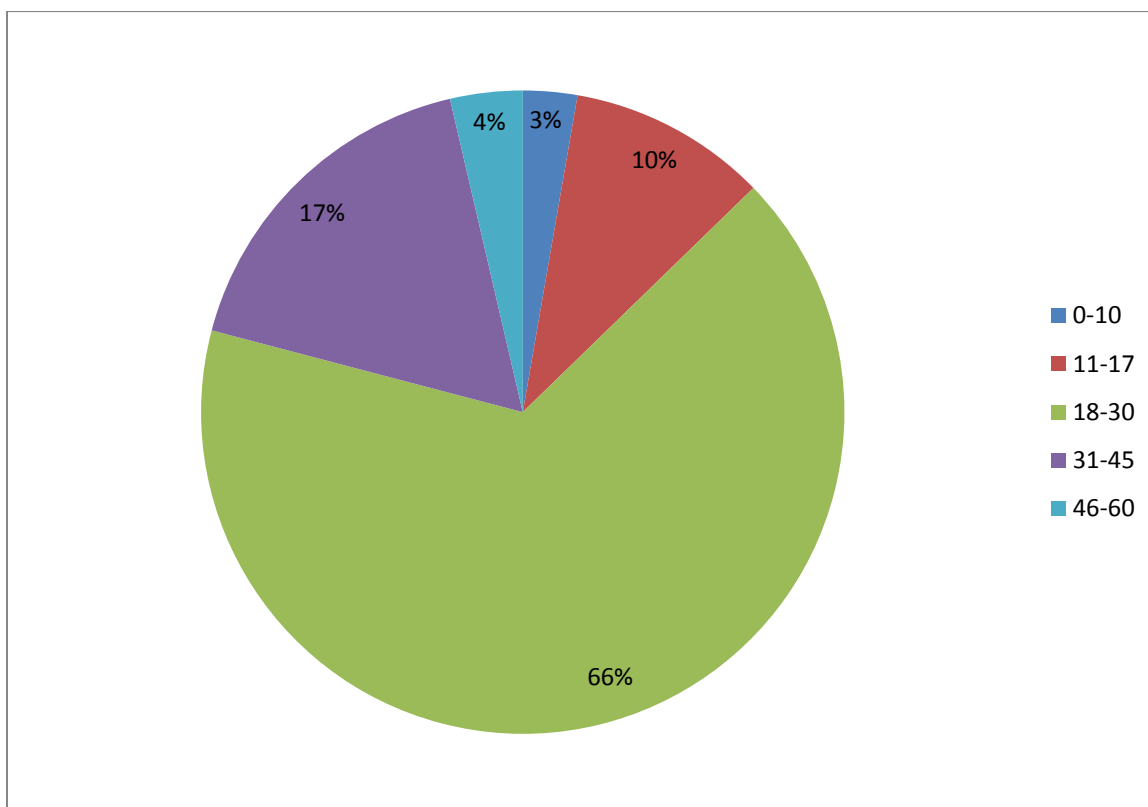
^{۴۰} برای معلومات در باره ارجحیت دادن قانون اساسی به حمایت از خانواده، به پاورقی شماره ۲۸ مراجعه شود.

^{۴۱} به پا ورقی ۶ مراجعه شود.

۵. مشخصات قضایای ثبت شده

یوناما وضعیت ۱۱۰ زن (۹۶ زن بزرگسال و ۱۴ دختر زیر سن) را ثبت کرد که غرض رسیدگی به خشونت های که علیه شان از آگست ۲۰۱۴ الی فبروری ۲۰۱۵ صورت گرفته بود، به میانجیگری یا محکمه مراجعه کرده بودند. هر چند اکثر زنان بین سنین ۱۸ الی ۳۰ سال بودند (۶۶ درصد تمام قضایا)، یوناما خشونت علیه قربانیان دختران جوان هشت ساله (دو مورد) و زنان کهن سال الی ۶۰ ساله را نیز ثبت کرده است.

گراف ۱: طبقه بندی به اساس سن



به استثنای یک تبعه پاکستانی، تمام زنان مصاحبه شونده را افغانها تشکیل می دهد. این افراد شامل زنان از اقوام مختلف به شمول تاجک (۴۶)، پشتون (۲۶)، هزاره (۱۹)، ازبک (۷)، پشه ئی (۵)، نورستانی (۳)، سید (۲)، عرب (۱) و باجویری (۱) می گردد.

در جریان مصاحبه و مشاهده قضایا، یوناما در مجموع ۱۴۸ عمل خشونت آمیز را که گزارش شده اند، ثبت نمود که این رقم به این معنی است که بعضی از ۱۱۰ زن و دختر مورد چندین نوع خشونت قرار گرفته اند^{۴۲}. چنانچه در جدول ذیل نمایش

^{۴۲} چندین عمل خشونت را می توان در یک شکایت درج کرد.

داده شده است، لت و کوب معمول ترین نوع خشونت علیه زنان مصاحبه شده می باشد که این موضوع آمار دولت^{۴۳}، یوناما^{۴۴} و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان^{۴۵} را تأیید می کند. یک تن از زنان که در این گزارش مصاحبه شده بود، در نتیجه خود سوزی اجباری از بین رفت؛ واقعه خود سوزی اجباری پس از آن اتفاق افتاد که زن مذکور به خاطر خشونت علیه خود شکایت رسمی را ثبت کرد^{۴۶}.

جدول ۱: تعداد قضایا به اساس نوع خشونت که در قانون منع خشونت علیه زن جرم شناخته شده است

نوع خشونت	تعداد شکایات	فیصدی تمام شکایات ثبت شده
لت و کوب	66	45%
دشنام، تحقیر، تخویف	20	14%
آزار و اذیت	9	6%
ممانعت از حق ازدواج و انتخاب شوهر	7	5%
ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی	7	5%
منع تصرف در ارث	6	4%
تکاح اجباری	5	3%
اجبار به زنا	5	3%
تکاح قبل از اكمال سن قانونی	4	3%
انزوای اجباری	4	3%
بد ^{۴۷}	4	3%
اجبار به خود سوزی یا خودکشی یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک	3	2%
خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج	2	1%

^{۴۳} به پاورقی شماره ۱۲ و ۱۴ مراجعه شود.

^{۴۴} به پاورقی شماره ۱ مراجعه شود.

^{۴۵} به خلاصه گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد خشونت علیه زنان مورخ (۸ مارچ ۲۰۱۵) که در وب سایت ذیل قابل دسترس است، مراجعه شود:

http://www.aihrc.org.af/home/daily_report/4172

^{۴۶} بررسی یوناما از ساحه، جنوری ۲۰۱۵.

^{۴۷} دادن زن در بدل قتل، زنا یا سایر عمل جرمی به منظور تامین صلح و آشتی میان خانواده ها.

2	1%	محرومیت از مالکیت ملکیت شخصی
2	1%	جدائی از اقارب
2	1%	ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت احکام مندرج ماده ۸۶ قانون مدنی
-	-	به آتش کشیدن یا استعمال مواد کیمیاوی یا سایر مواد ضررناک
-	-	ثبت هویت متضرر و افشای آن به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند
-	-	کار اجباری
-	-	اجبار زن به اعتیاد
148	100%	مجموع

اکثریت زنان مصاحبه شده (۶۷ درصد) پس از آن شکایت نمودند که چندین بار موارد خشونت را تجربه نمودند.

از مجموع ۱۵۰ عامل خشونت، تقریباً همه شان از خانواده قربانیان بودند و در ۹۴ درصد قضایا عاملین خشونت از اقارب متضرر بوده است. بیست عامل خشونت علیه زنان مصاحبه شده را زن (مادر، مادر شوهر، خواهر شوهر) تشکیل می داد که ۱۳ درصد عاملین خشونت را تشکیل می دهد.

۶. یافته ها

۱.۶ ثبت شکایت

"برای یک زن مناسب نیست که نزد پولیس مراجعه کند."

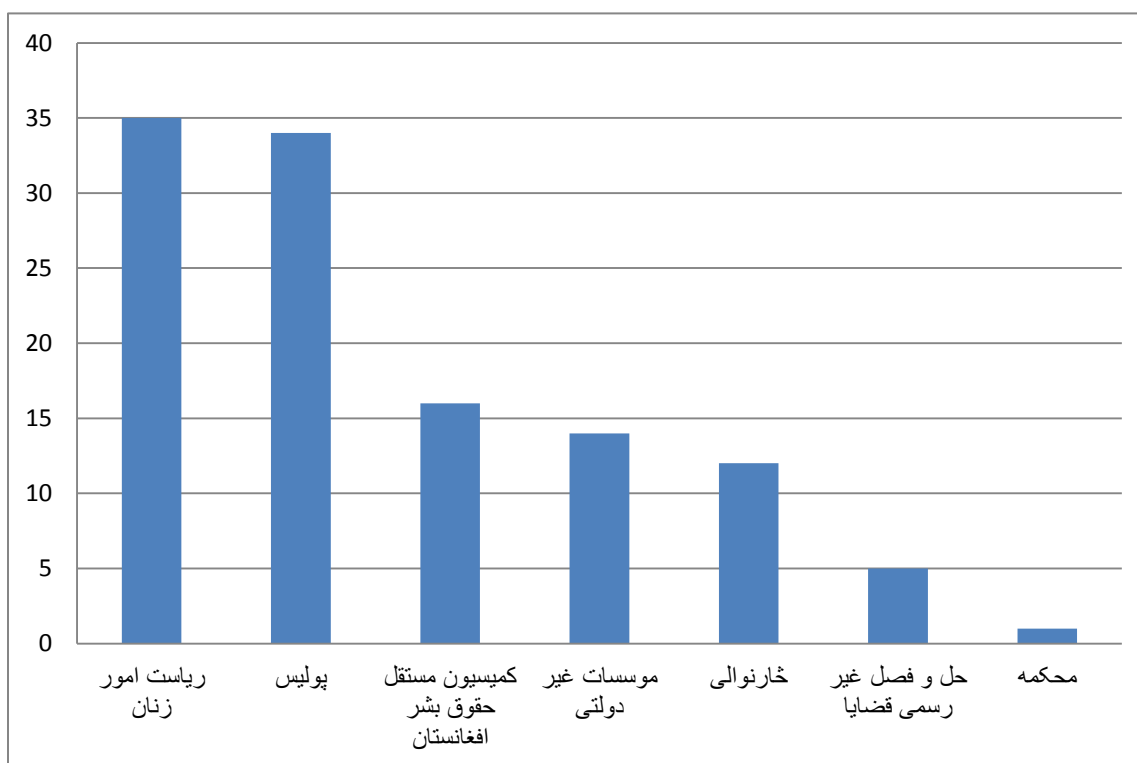
ل، ۲۶ ساله، از ولایت کابل، آگست ۲۰۱۴

"من از طریق تلویزیون شنیده بودم که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای رسیدگی به شکایات زنان وجود دارد و از این جهت از خواهر بزرگم خواستم تا مرا همراهی کند. ما آدرس کمیسیون مستقل حقوق بشر را نمی دانستیم ولی ما از راننده تکسی خواستیم که ما را آنجا برساند."

ح، ۲۳ ساله، از ولایت بلخ، آگست ۲۰۱۴

یوناما مشاهده نمود که اکثر ۱۱۰ زن مصاحبه شده شکایات شان را در نهاد های ثبت نمودند^{۴۸} که در قانون منع خشونت علیه زن تسجیل شده است. از مجموع ۱۱۷ شکایت ثبت شده، ۳۵ شکایت نزد ریاست امور زنان، ۳۴ شکایت نزد پولیس، ۱۶ شکایت نزد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۲ شکایت نزد خارنوالی، و یک شکایت نزد محکمه ثبت شده است. ۱۹ مورد شکایت باقیمانده نزد موسسات غیر دولتی و نهاد های غیر رسمی حل و فصل منازعات مانند شور/اجرگه های محلی^{۴۹} یا شورای علماء ثبت شدند^{۵۰}.

گراف شماره ۲: ثبت شکایات به اساس نهاد



تفاوت در تعداد زنان مصاحبه شده در این گزارش (۱۱۰ زن) و تعداد شکایات ثبت شده (۱۱۷ شکایت) نشان می دهد که بعضی از زنان برای رسیدگی به یک شکایت به چند نهاد مراجعه نموده اند. مصاحبه ها نشان می دهند که این تصامیم [مراجعه به چند نهاد برای رسیدگی یک قضیه] به دلیل عدم اعتماد و باور به عملکرد بعضی از نهاد ها به اساس تجارب گذشته زنان اتخاذ شده است. حد اقل در یک مورد مقام ثبت کننده شکایت از ثبت شکایت به این دلیل ابا و ورزید که ثبت شکایت علیه اقارب از نظر فرهنگی درست نیست.

^{۴۸} به پاورقی ۱۳ مراجعه شود.

^{۴۹} شورا های محلی.

^{۵۰} شورا های متشکل از علمای دینی.

مشاهدات یوناما نشان می دهد که تصامیم زنان جهت شکستن سکوت در مورد وضعیت شان از طریق ثبت شکایت برخاسته از عوامل متعدد می باشد که شامل موارد ذیل می گردد: شرایط تهدید آمیز که زنان یا اطفال شان را هدف قرار می دهد؛ تلاش های ناموفق جهت رفع شرایط خشونت بار از طریق مراجع غیر رسمی؛ تماس های مکرر با نهاد های عدلی و قضائی رسمی که در امر آگاهی زنان از مصئونیت های حقوقی شان نقش کلیدی بازی کردند؛ و قابل دسترس بودن بعضی از خدمات مشخص یا در مجاورت آن قرار داشتن (مانند مصئونیت فیزیکی، صحتی، حقوقی) برای زنان که مورد خشونت قرار گرفته اند. تصمیم زنان در انتخاب نهاد ها جهت ثبت شکایت اساساً وابسته به آگاهی آنها از حضور فراهم کنندگان خدمات و/یا اعتماد زنان بالای نهاد ها مبنی بر رسیدگی و حل و فصل عادلانه قضایای شان می باشد.

علی الرغم بعضی استثنائات^{۵۱}، تقریباً تمام زنانی که مورد خشونت قرار داشتند، در جریان ثبت شکایت به درستی نمی دانستند که خواهان رسیدگی به شکایت شان از طریق تعقیب عدلی و یا میانجیگری هستند. از اینرو، واکنش مرجع ثبت کننده در خصوص ارائه معلومات در مورد گزینه های حقوقی/خدمات موجود برای زنان و هم چنان برخورد شرافتمندانه و محترمانه با آنها بسیار مهم می باشد. عملکرد نهادی که زنان برای نخستین بار جهت رسیدگی به شکایت شان به آن مراجعه نموده، به پیمانده وسیع روی چگونگی دسترسی آنان به عدالت تاثیر گذار بوده است.

۲.۶ حل و فصل شکایات/قضایای خشونت علیه زنان از طریق فیصله محاکم و یا میانجیگری

"من دوباره به وی [شوهرم] مراجعه می کنم چون هیچ گزینه دیگری ندارم. اگر پول می داشتم و کسی در کنارم می بود که در خانه از اطفالم مراقبت می کرد، هیچگاهی از شکایت خود منصرف نمی شدم. من می خواستم که او [شوهرم] مجازات شود."

ر، ۳۵ ساله، از ولایت جوزجان، نوامبر ۲۰۱۴

یافته های عمومی

یوناما دریافت که از ۱۱۰ قضیه، ۸۰ قضیه آن مورد رسیدگی نهائی قرار گرفته و ۳۰ قضیه باقیمانده الی ارائه این گزارش در حال رسیدگی قرار داشت. پنجاه و دو (۵۲) قضیه (۶۵ درصد) قضایا از طریق میانجیگری حل و فصل گردید که منتج به انصراف از شکایت به اساس ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن شد. در ۱۳ مورد دیگر، زن شاکی بنا بر فشار های بیرونی یا تصمیم داوطلبانه که برخاسته از عوامل مختلف به شمول دلسردی از پروسه طویل رسیدگی به شکایت است، از شکایت خود منصرف شد.

^{۵۱} ارجحیت دادن ثبت قضیه در ریاست امور زنان در بسا موارد نسبت به پولیس جنجال کمتر داشته و بیشتر در همخوانی با رسوم و عنعنات قرار دارد به خاطر که مراجعه به ریاست امور زنان لزوماً منتج به تعقیب عدلی نمی گردد.

فقط پنج درصد (چهار مورد) از ۸۰ قضیه حل و فصل شده از طریق پروسه عدالت جزائی مورد رسیدگی قرار گرفت و [نهایی شد] که منجر به تعیین مجازات بالای مرتکبین خشونت گردید. این رقم ارجحیت زنان در رسیدگی به دعاوی شان از طریق میانجیگری را نشان می دهد که این امر در مطابقت با دو گزارش دولت در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن قرار دارد.^{۵۲} به استثنای یک قضیه اجبار به زنا، فعالیت های میانجیگری شامل جرایمی نبود که باید از طریق سیستم عدلی و قضائی مورد تعقیب عدلی قرار گیرد که در مطابقت با چارچوب حقوقی ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن قرار دارد.

نتیجه	مجموع
قضایای که نهایی شده اند	
فیصله های محاکم	۴
میانجیگری	۵۲
خشونت توقف یافت و مرجع دوسیه را حفظ نمود	۱۰
انصراف	۱۳
توسط شاکی پیگیری نشد	۱
مجموع قسمی نتیجه نهائی	۸۰
قضایای تحت دوران	
در مراجع ثبت کننده بدون وزارت داخله، وزارت عدلیه یا لوی خائنوالی	۲
نزد وزارت داخله	۳
نزد لوی خائنوالی	۱۲
نزد محکمه/وزارت عدلیه	۱۱
نزد میکانیزم حل و فصل غیر رسمی منازعات	۱
قضایای که توسط شاکی پیگیری نشد	۱
مجموع قسمی قضایای در حال رسیدگی	۳۰
مجموع	۱۱۰

مطالعات یوناما نشان داد که نهاد های تسجیل شده در قانون منع خشونت علیه زن معمولاً از مجاری مختلف به شکایات رسیدگی می کنند؛ این طروق شامل موارد ذیل می گردد: میانجیگری، ارجاع قضایا برای تعقیب عدلی و/یا پیگیری تعقیب عدلی در مطابقت با قانون منع خشونت علیه زن. ارجاع قضایا میان نهاد های ذکر شده در قانون منع خشونت علیه زن، موسسات غیر دولتی و مراجع غیر رسمی حل و فصل منازعات به بارها مشاهده شد که بیانگر روابط نزدیک میان تمام فعالان دخیل در قضایای منع خشونت علیه زن می باشد. همکاری ها خصوصاً در برگزاری حد اقل ۱۷ جلسه میانجیگری توسط

^{۵۲} به پاورقی های شماره ۱۲ و ۱۴ مراجعه شود.

مراجع غیر رسمی حل و فصل منازعات و نهاد های قانون منع خشونت علیه زن بسیار مشهود می باشد (به "نتایج میانجیگری" در ذیل مراجعه شود).

نتایج رسیدگی محاکم به قضایا

در زمان تهیه این گزارش، از مجموع ۱۱۰ قضیه ۳۰ قضیه آن در نظام عدلی و قضائی ثبت گردیده بود، در التوا یا تحت دوران قرار داشت. از مجموع ۱۱۰ قضیه، ده قضیه آن از سوی محکمه [ابتدائیه] مورد رسیدگی قرار گرفت که منتج به ده مورد محکومیت در مطابقت به قانون منع خشونت علیه زن گردید و هیچ حکم برائت وجود نداشت. در زمان تهیه این گزارش، از مجموع این ده مورد محکومیت، شش مورد آن در مرحله استیناف خواهی در محکمه قرار داشت.

براساس ماده (۱۸) قانون منع خشونت علیه زن، مجازات متفاوت در مورد سه قضیه مجبور ساختن به فحشاء از سوی محکمه صادر گردید که شامل حبس هفت سال، پنج سال و ۱۸ ماه بود. هرگاه مجنی علیهای این جرم زن نابالغ باشد^{۵۳}، مرتکب حسب احوال به حبس طویل الی ده سال نیز محکوم شده میتواند.

در ارتباط به یک قضیه ضرب و جرح، مجازات اولیه حبس یک ماهه که مطابق ماده ۲۳^{۵۴} صادر شده بود، در مرحله استینافی به مجازات حبس یکساله براساس ماده ۲۲^{۵۵} قانون منع خشونت علیه زن افزایش یافت. این ماده ایجاب مینماید تا حکم مطابق به ماده ۴۰۸ قانون جزا در مورد جراحت و آسیب جسمی، یعنی (حبس کوتاه مدت که کمتر از سه ماه و بیشتر از یکسال نباشد) صادر شود.

در ارتباط به پنج قضیه ضرب و جرح، حکم محکمه مبنی بر حبس یک و نیم ماه بر اساس ماده ۲۳ قانون منع خشونت علیه زنان صادر گردید؛ ماده ۲۳ قانون مذکور حبس الی سه ماه را پیشبینی کرده است.

در ارتباط به یک قضیه ازدواج قبل از وقت، محکمه ابتدائیه متهم را مطابق به ماده ۲۸ قانون منع خشونت علیه زنان به مدت یکسال حبس محکوم نمود. محکمه استیناف شش ماه باقیمانده حبس را به جریمه نقدی مبلغ ۶۰۰۰ افغانی که معادل به (۱۰۶)

^{۵۳} ماده هجدهم قانون منع خشونت علیه زن بیان میدارد که: شخصی که زن بالغ را مجبور به فحشا نماید، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال کمتر نباشد، محکوم می گردد. هرگاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (۱) این ماده زن نابالغ باشد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

^{۵۴} ماده ۲۳ قانون تصریح می کند که: شخصی که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت و یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد محکوم می گردد.

^{۵۵} ماده ۲۲ قانون منع خشونت علیه زن بیان میدارد که: شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با در نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد (۴۰۷ الی ۴۱۰) قانون جزا مجازات می گردد. هرگاه اعمال مندرج فقره ۱ این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شده مندرج مواد ۳۹۵ الی ۳۹۹ قانون جزاء محکوم می گردد.

دالر امریکایی) میشود، تبدیل نمود. ماده ۲۸ قانون منع خشونت علیه زنان حبس متوسط را که کمتر از دو سال نباشد برای مرتکبین جرم ازدواج قبل از وقت پیش بینی نموده است.

قرار معلومات جمع آوری شده، یوناما دریافت کرده است که از ده حکم صادر شده از سوی محاکم، سه حکم آن با تعبیر ملایم و بدون رعایت احکام قانون منع خشونت علیه زن صادر شده اند.^{۵۶} این وضعیت مستلزم آنست تا مقامات قضایی سطح آگاهی شانرا در مورد قانون منع خشونت علیه زن هرچه بیشتر بلند برده و آنرا مورد تطبیق قرار دهند.

نتایج میانجیگری

به اساس معلوماتی که از سوی زنان شاکی و میانجی ها به یوناما ارائه گردید، مجموعاً ۱۲۶ نشست میانجیگری در جریان رسیده گی به ۶۶ قضیه از مجموع ۱۱۰ قضیه که مورد نظارت قرار گرفت برگزار گردید. این نمایانگر آنست که زنان قربانی که از خشونت جان به سلامت برده اند به خاطر شرایط حاکم خود ترجیح دادند تا برای حل و فصل قضایای شان از میانجیگری استفاده نمایند. آما یوناما به ۱۱ قضیه مواجه شد که تصمیم در مورد انتخاب میانجیگری به جای پیگیری قضیه از طریق محکمه، از طرف اشخاص ثالث یعنی اعضای خانواده یا بزرگان بالای زنان تحمیل گردید که این روش حق انتخاب زن را نقض و ماهیت دواطلبانه بودن پروسه میانجیگری را تضعیف می نماید.

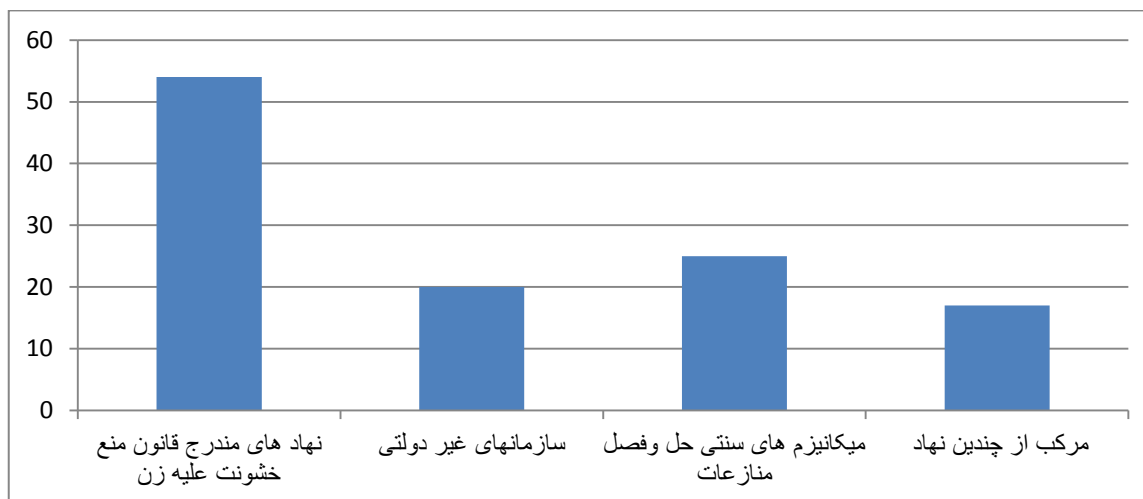
یوناما ثبت نموده است که میانجیگری از سوی مراجع متعدد صورت گرفته است که از جمله ۵۴ نشست میانجی گیری توسط نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن^{۵۷}، ۲۵ نشست توسط میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات، ۲۰ نشست توسط مؤسسات غیر دولتی و ۱۷ نشست دیگر بطور "مختلط" توسط نماینده گان از نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن و میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات یعنی (یک خارنوال و یک عضو خانواده، بخش رسیده گی به قضایای خانواده گی وزارت داخله و یک نفر ملا) صورت گرفته است.^{۵۸}

^{۵۶} اما، با توجه به عدم توانائی یوناما در بررسی دقیق دوسیه قضایای متذکره، یوناما می پذیرد که تحلیل آن در مورد رعایت احکام قانون منع خشونت علیه زن ممکن است محدود بوده باشد.

^{۵۷} بیست و پنج جلسه میانجیگری از سوی ادارات محلی ریاست امور زنان، نه جلسه از سوی پولیس، هشت جلسه از سوی محکمه، شش جلسه از سوی ادارات خارنوالی، پنج جلسه از سوی کمیسیون حقوق بشر و یک جلسه از سوی رئیس کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زنان برگزار گردید.

^{۵۸} در مورد اینکه کدام نهاد ها ده نشست میانجیگری در حوزه غرب را برگزار نمود، معلوماتی در دست نیست.

گراف شماره ۳: میانجیگری شکایات توسط نهاد ها



همانطوریکه در جدول ذیل نشان داده شده است، نتایج میانجیگری بطور قابل ملاحظه ای متفاوت بوده اند که یکی از رایج ترین راه حل ها، دوباره یکجا ساختن زن با شخص است که قربانی مذکور علیه وی شکایت نموده بود.. یوناما این نوع گرایش را نزد همه نهاد های که میانجیگری را انجام میدهند مشاهده نموده است. یافته های یوناما نشان میدهد که میانجی ها تلاش نموده اند تا طرفین دعوی را به آشتی تشویق نمایند و از زنان متضرر خواسته اند تا به خاطر حفظ اتحاد خانواده وانسجام اجتماعی "گذشته را فراموش" نمایند. نتایج میانجیگری که مورد نظارت قرار گرفت قرار ذیل اند:

تعداد قضایا	نتایج بدست آمده در جریان میانجیگری
۴۲	آشتی میان متضرر و عامل قضیه و یکجا ساختن مجدد متضرر به کانون خانواده
۱۵	عدم دستیابی به فیصله یا راه حل
۸	تعهد مرتکب خشونت نسبت به فسخ نامزدی یا ازدواج اجباری، خودداری از وارد آوردن فشار بخاطر نامزدی یا ازدواج اجباری و مخالفت با ازدواج
۵	راجع ساختن قضایا به سایر نهاد ها و مراجع (مانند شورای علما، محکمه فامیلی، بزرگان)
۴	اخذ طلاق
۴	اباء ورزیدن متضرر از دوباره یکجا شدن با خانواده و اجازه یافتن برای رفتن به یک محل بدیل (مانند خانه اقارب، خانه امن)
۲	اباء ورزیدن متضرر از آشتی نمودن با عامل خشونت و خواهان تعقیب عدلی وقضایی عامل خشونت
۱	دسترسی به حق میراث به وی تضمین شد
۸۱ ^{۵۹}	مجموع

^{۵۹} تفاوت بین شمار قضایای که در آن میانجیگری صورت گرفته است و شمار فیصله های صورت گرفته از آن جهت است که در چندین قضیه، چندین بار میانجیگری صورت گرفته است.

جهت رسیدن به یک توافق، فیصله ها به اساس شرایط متعددی که در جریان نشست های میانجیگری روی آنها توافق صورت گرفته بود، بادر نظر داشت نیازمندیهای مشخص هر دو طرف دعوی، صورت گرفت. همانطوریکه در ضمیمه ۱ نشان داده شده است، اکثر شرایط توافق شده فوق شامل تحمیل یک سلسله مکلفیت ها بالای عاملین قضیه بود که هدف آن تقویت و مصئونیت روحی زنان متضرر بود. بطور مثال (پذیرفتن و اظهار پشیمانی از ارتکاب جرم، تعهد نسبت به عدم تکرار جرم)، حق داشتن زنده گی معیاری (مانند محل بود و باش مناسب، غذا و لباس)، آزادی گشت و گذار، کار و تعلیم (مانند اجازه داشتن زن جهت بازدید از اقارب، منجمله اشتراک در جنازه اقارب) و همچنان پرداخت خساره مالی بطور نقدی یا جایداد (مانند دادن زمین به پسران وی) از جمله مکلفیت هایی بودند که بالای آنها توافق صورت گرفتند. شرایط چون پرداخت خساره بطور نقدی یا جایداد، اکثراً در نشست های میانجیگری توسط میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات مانند بزرگان و شوراهای علما وضع گردید. مشاهدات یوناما همچنان نشان میدهد که شرایطی دیگری نیز توسط میانجی گران بالای زنان متضرر و یا مراجع ثالث وضع گردید که عبارت بود از (منصرف شدن متضررین از مطالبه حق مهر^{۶۰}).

یوناما شاهد (۴۴) مورد فیصله های کتبی تحت نام "ضمانت خط ها" و همچنان (۱۱) مورد توافقات شفاهی میان طرف های دعوی بوده است. یافته ها متداول بودن روش استفاده (یا عدم استفاده) از اسناد کتبی را نشان نمی دهد زیرا نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن و میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات از هر دو روش استفاده می کردند. زمانیکه فیصله ها در مورد آشتی و دوباره یکجا ساختن زن و شوهر صورت میگرفت و از شوهر تعهد گرفته میشد تا از خشونت خودداری نماید، پیگیری تطبیق فیصله مذکور ضعیف بود و یا اصلاح وجود نداشت، صرف نظر از اینکه چه نهادی قضیه متذکره را میانجیگری کرده است.

یوناما دریافته است که جمع کثیری از اشخاص و نهاد ها عمل میانجیگری را بدون اتخاذ یک روش معیاری در مورد وضع الزامات با توجه به شدت و ماهیت عمل خشونت بار، انجام می دهند. یوناما ملاحظه نموده است که بدون یک چارچوب و روش یکسان، تصامیم در مورد تعمیل الزامات و ضمانت های کافی کاملاً در اختیار میانجیگران قرار دارد.

در محدوده این پروژه یوناما توانست نحوه تطبیق (۲۵) فیصله را پیگیری نماید. حداقل در (۱۳) فیصله، توافقی که در جریان میانجیگری صورت گرفته بود، از سوی مرتکبین خشونت رعایت و عملی نگردید. با تکرار خشونت، زنان تصمیم گرفتند تا به خانه های امن پناه ببرند، به سیستم رسمی عدالت جزایی شکایت کنند، و یا دعوی طلاق اقامه کنند. دوازده مورد از توافقات پس از میانجیگری رعایت و عملی گردید.

^{۶۰} مبلغی پولی است که مستقیماً از جانب داماد به زنی که قرار است عروس وی شود، بخاطر ازدواج وعده داده می شود. معمولاً قبل از ازدواج وعده داده می شود ولی می توان آنرا بعداً پرداخت نمود و حتی پرداخت آن می تواند سالها معطل بماند.

"در قوماندانی امنیه با من مصاحبه صورت نگرفت. همینکه به آنجا رسیدم، پولیس مرا فاحشه خطاب کرد و گفت که دفترش را ترک کنم. من از وی تقاضا کردم که ابتدا به مشکل ام گوش دهد، اما وی به مشکل ام گوش نداد".

ن. ۲۴ ساله، از ولایت سمنگان، فبروری ۲۰۱۵

"در جریان نشست میانجیگری به من فرصت داده شد تا رو در روی شوهرم به او علت این را بیان کنم که چرا نمیخواهم با خانواده اش زندگی کنم و چرا می خواهم خانه جداگانه داشته باشم".

ج. ۲۵ ساله، از ولایت پکتیا، سپتمبر ۲۰۱۴

یوناما مشاهده نموده است که زمانیکه قربانیان خشونت به نهاد های رسمی عدلی یا میکانیزم های غیررسمی جهت شکایت مراجعه می کنند، آنها اکثراً از لحاظ جسمی و روانی آسیب های شدیدی دیده اند و کمک های بسیار اندک و یا هم هیچ کمک مالی و روانی بدست نمیآورند. طی مراحل و حل و فصل قضایای آنها نهایت حساس بوده که نیازمند منابع و تخصص خاص مانند حمایت کافی (حقوقی و روانی) میباشند تا آنها بتوانند عدالت و جبران خسارات لازم را بدست بیاورند.

تحقیقات یوناما نشان میدهد که پاسخ نهاد ها، منجمله کیفیت خدمات و برخورد مسئولین، عامل مهم در توانمند ساختن زنان جهت تصمیم گیری آزاد و آگاهانه در مورد حل و فصل قضایای شان میباشد. از مجموع (۱۱۰) خانمی که یوناما با آنها گفتگو نموده است، ۷۶ تن یا (۶۹ درصد) آنان به این نظر بودند که آئنده نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان و میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات که قضایای شانرا پیش بردند، با ایشان برخورد محترمانه و حساس داشتند.

خانم هایی که با آنها گفتگو صورت گرفت تأکید نمودند که آنها مشخصاً خواهان فرصتی اند که بتوانند چگونگی بدرفتاری را که در برابرشان صورت گرفته است بطور کامل بیان نمایند، به گفته های شان گوش داده شود و در مورد اقدامات بعدی برایشان مشوره داده شود. آنها همچنان بیان نمودند که به استثنای میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات، نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان و مؤسسات غیرحکومتی کمک های قابل ملاحظه ای در راستای ارائه معلومات در مورد گزینه های ممکن عدلی و غیرعدلی جهت حل و فصل قضایای شان به ایشان فراهم نمودند.

اکثر متضررین بخاطر بیسواد بودن و یا عدم آگاهی قبلی از قوانین و طرزالعمل های نافذه، از حقوق قانونی شان آگاه نبودند. بناً آنها بدلیل دریافت معلومات در مورد حقوق شان و پروسه های قانونی، به ویژه از طریق استعمال اصطلاحاتی که برای آنها کاملاً قابل فهم باشد، قدردانی شانرا ابراز نمودند. برای تعداد ۲۷ تن از زنانیکه از خدمات مشورتی حقوقی که (عمدتاً از سوی حقوق دانان توسط مؤسسات غیرحکومتی و یا در یک مورد، حقوقدان بطور خصوصی استخدام شده بود) مستفید گردیدند، این خدمات در راستای قادر ساختن زنان جهت اتخاذ تصمیم آگاهانه در مورد حل و فصل قضایای شان سودمند

واقع گردید. صرف در یک مورد در جنوب شرق کشور، ارائه مساعدت حقوقی رایگان از سوی یک مؤسسه غیرحکومتی قناعت بخش نبود، زیرا وکیل مدافع روی بدست آوردن پول بعنوان پیش شرط در مقابل پیگیری قضیه در جلسات محکمه اصرار میکرد.^{۶۱} همچنان مشاهده گردید که سوء تعبیر رایج از دین و قانون نافذ تعداد زیادی از زنان را دچار سردرگمی نموده بود. بطور مثال، یک تعداد زیاد زنان به یوناما گفتند که آنها بخاطر ترس از اینکه مبادا در اثر درخواست طلاق سرپرستی اطفال شانرا از دست بدهند به ازدواج های خشونت بار ادامه دادند. این امر خود نمایانگر درک نادرست از قانون است.

خانم هایی که با آنها گفتگو صورت گرفت گفتند که فراهم ساختن پناه گاه امن در جریان رسیده گی به قضایای آنها اهمیت بسزایی برای آنها دارد. محافظت فزینی زنان عمدتاً از طریق فرستادن آنها از سوی نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان به خانه های امن تحت اداره مؤسسات غیرحکومتی تأمین می گردید. یوناما یک تعداد قابل ملاحظه ای از قضایا یعنی (۳۴ قضیه یا ۳۱ درصد مجموع ۱۱۰ قضیه) را که از این تدابیر محافظتی مستفید گردیده اند ثبت نموده است که این خود نشان دهنده فعالیت مهم خانه های امن منحصیث یگانه بدیل مصئون برای زنان میباشد. باوجود آن، زنان محدودیت ها در این مراکز امن در دراز مدت را تأیید نموده و روی ضرورت به تدابیر معیشتی مستقلانه تر و مصئون تر تأکید نمودند.

ملاحظات مشخص در مورد تجارب زنان حین رسیده گی محکمه به قضایا

به اساس مشاهدات یوناما، از نظر زنان تأمین عدالت از طریق نظام عدلی و قضائی با توجه به نورم ها یا سنت های فرهنگی رایج امر نادر بوده است، و انسجام اجتماعی بر تأمین عدالت فردی ترجیح داده میشود

یک سوم (۱۱۰) زن، یعنی (۳۴) زن که با آنها مصاحبه شد عدم رضایت شانرا نسبت به حمایتی که از طریق مراجع عدلی و قضائی بدست آوردند ابراز نمودند. این نارضایتی ها اکثرآ به نحوه اجراآت نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان در جریان تعقیب عدلی جزایی جرم ارتباط دارد. بطور خاص، موانع کلیدی که مطرح شد عبارت بود از فساد (سه زن ادعا داشتند که مسئولین عامه از آنان مطالبه پرداخت رشوه نمودند و یا خود بطور مستقیم شاهد فساد بودند)؛ درخواست عمل جنسی (در یک مورد، قرار گزارش پولیس موظف قضیه، از زن متضرر در بدل پیگیری شکایت وی از وی مطالبه عمل جنسی نموده است)؛ و عدم دسترسی مستقیم به اجراآت قضائی و آشنائی با آن (شش تن از زنان گفتند که در مورد چگونگی رسیده گی به قضیه آنها از سوی محکمه هیچ اطلاعی به ایشان داده نشد، چهار نفر آنان گفتند که از همه چیز بی خبر ماندند و نمیدانستند که در جریان ثبت شکایات شان پولیس در دوسیه های آنان چی نوشته است). در بعضی موارد، از زنان یا خانواده های آنان خواسته میشد تا چندین بار به دفاتر محاکم مراجعه و شکایات شانرا ثبت نمایند.

^{۶۱} مشاهدات یوناما از قضیه، فبروری ۲۰۱۵

عدم مسلکی بودن کارمندان قضائی نیز بالای طرز فکر زنان جهت پیگیری قضایای شان بطور رسمی تأثیر منفی گذاشته است. چهار نفر زن گفتند که در جریان تحقیق از سوی پولیس و خائولان مورد تحقیر، تهدید به توقیف ویا اتهام به دروغگویی قرار گرفتند؛ یکی از زنان گفت که وی بخاطر خشونتی که علیه وی صورت گرفته بود از سوی پولیس به صراحت مقصر دانسته شد. یک تعداد از زنان گزارش دادند که بخاطر شکایت رسمی شان از سوی نهاد های مختلف قانون منع خشونت علیه زنان مورد سرزنش قرار گرفتند و یا از سوی همین نهاد ها جداً تشویق شدند که از پیگیری شکایت شان منصرف شوند. پنج نفر زن گزارش دادند که کارمندان نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان به قضایای شان هیچ توجهی نکردند.

تأخیر و یا تصور تأخیر^{۶۲} در پروسه رسیدگی به قضایا از سوی محاکم یک تعداد زنانی را که با ایشان گفتگو صورت گرفت سخت ناامید و بی حوصله ساخته بود. طولانی شدن پروسه رسیدگی به قضایا از سوی محاکم منجر به منصرف شدن حداقل از دو مورد شکایت و سه میانجیگری گردید. حداقل در سه مورد، زنان گفتند معیادی زمانی که برای داد خواهی به قضایای شان مدنظر گرفته بودند نا پایدار بود و آنها احساس مجبوری می کردند که وظایف مراقبت اطفال/امور منزل خود را از سرگیرند. در نتیجه، دو نفر از این زنان خانه امن را ترک و با همسران شان یکجا شدند و یک زن دیگر از شکایت اش منصرف شد و به جای آن میانجیگری را برگزید.

ملاحظات مشخص در مورد تجارب زنان در جریان میانجیگری

به اساس مشاهدات یوناما، زنانیکه با ایشان گفتگو صورت گرفت، پیامد ها و عواقب خشونت را فراتر از عاملین انفرادی خشونت و قربانیان آن می دانستند و در صدد راه حلی بودند که به اساس آن تعادل خانواده گوی و نظم اجتماعی دوباره احیا شود. به همین دلیل، آنها به این باور بودند که میانجیگری می تواند در رسیدن به این هدف نقش بهتری ایفا کند. همچنان یک تعداد از زنان گزارش دادند که آنها طرفدار میانجیگری و راه های حل خارج از محکمه بودند، زیرا هدف آنها باز داشتن عامل خشونت از برخورد خشونتبارش بوده است در حالیکه به باور آنها نظام عدلی و قضائی برای مرتکبین مجازات تجویز می کند - چیزیکه زنان لزوماً در پی آن نیستند.

آئنده زنانی شاکی که یوناما با ایشان گفتگو نموده است نسبت به اقدامات عاجل که از سوی بعضی از مقامات رویدست گرفته میشود ابراز قدردانی نمودند. دلیل اینکه زنان رسیدگی فوری به قضایای شان را ترجیح می دهند این است که آنها باید

^{۶۲} در چندین قضیه ای که یوناما نظارت کرد، اگرچه مدت زمان رسیدگی به قضایا از زمان آغاز تحقیق الی صدور فیصله محکمه در مطابقت با شرایط مندرج قانون قرار داشت، اما معیاد های زمانی تعیین شده در قانون انتظارات و نیازمندی های زنان را بر آورده نمی کرد. برای مثال، در حوزه شرق، یک زن متضرر خشونت، پس از یک ماه انتظار برای جلسه استماعیه محکمه، از شکایت خود منصرف شد، زیرا تمام امکانات مالی وی تمام شده بود.

به وظایف و مکلفیت های متعددی که به دلیل زن بودنشان بر دوش دارند رسیدگی کنند و دلیل دیگر آن مشکلات مالی بوده است. به نظر میرسد که میانجیگری راه حل سریعتر و دسترسی به جبران خسارات را فراهم ساخته است.

در اکثر ۱۲۶ جلسه میانجیگری که توسط نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان، موسسات غیر دولتی و میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات به منظور رسیدگی به ۶۶ قضیه برگزار گردیده بود، زنان دخیل در قضیه اظهار داشتند که برایشان یک فضای احترامانه و مساعد جهت بیان موضوع خشونت و بحث آزادانه فراهم گردیده بود. در ۱۴ نشست میانجیگری، یوناما موارد اهانت لفظی را ثبت نمودند که با زنان قربانی خشونت صورت گرفته بود. باوجود آن، نظر به گفته زنان، همچو رویداد ها توسط میانجی های که موفق شدند اختلافات میان طرف ها را برطرف سازند و یک فضای عاری از خشونت را فراهم سازند، مورد رسیده گی قرار گرفت. گمان برده می شود که حضور اعضای خانواده در جریان میانجیگری باعث تشویق قابل ملاحظه ای زنان گردد.

در شش جلسه از مجموع ۲۵ جلسه میانجیگری که از سوی میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات، مخصوصاً جرگه ها و شوراهای برگزار گردیده بود، زن متضرر خشونت، از اشتراک در جلسه محروم گردیده بود. این زنان اظهار داشتند که از اینکه در جلسه میانجیگری اجازه حضور نیافتند، ناراحت نیستند. ولی، عدم حضور زنان در همچو نشست های میانجیگری باعث نگرانی ها در مورد نقض حقوق بشری آنها می باشد، زیرا این روش تبعیض آمیز بوده و مانع حق مساوی زنان در برابر قانون و اشتراک آگاهان آنها در اجرائی که نتیجه آن بالای شان تاثیر گزار است، می باشد.^{۶۳} با توجه به این واقعیت که میانجیگری که از سوی اشخاص متعدد از جمله نهاد های غیر دولتی انجام می شود، عدم موجودیت میکانیزم های رسمی نظارتی و حسابدی در نهاد های که میانجیگری انجام میدهند منجر به محافظت ضعیف تر از حقوق بشری زنان متضرر گردیده است.

بر اساس مصاحبه های صورت گرفته، زنان متأثر از خشونت خواهان اجرای عدالت از طریق نظام عدلی ای میباشند که قابل دسترس، آبرومند، از لحاظ جندر حساس و از لحاظ فرهنگی قابل قبول باشد و بتواند زنان را در مورد حقوق و گزینه های موجود قانونی آگاهی دهد و به اسرع وقت در مورد قضایای فیصله نماید.

^{۶۳} این حقوق زنان در معیار های ملی و بین المللی تسجیل یافته است. در کنار سایر اسناد، مواد دوم، دهم و نهم/اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ مواد شانزدهم، نهم و بیست و ششم کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد اول و پانزدهم کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ ماده بیست و دوم قانون اساسی افغانستان

"خارنوال مرد با من با احترام برخورد نمود و برایم فرصت داد تا وضعیت ام را تشریح نمایم."

ب. ۳۴ ساله، از ولایت هرات، اکتوبر ۲۰۱۴

"من از نحوه و کیفیت پروسه ثبت شکایت توسط یک کارمند اناث ریاست امور زنان کاملاً راضی هستم. با من با احترام و حرمت کامل برخورد صورت گرفت و برایم فرصت داده شد تا موضوع شکایت خود را بطور کامل بیان نمایم. در مورد پروسه و اقدامات بعدی توضیحات روشن برایم داده شد."

ج. ۲۵ ساله، از ولایت بغلان، جنوری ۲۰۱۵

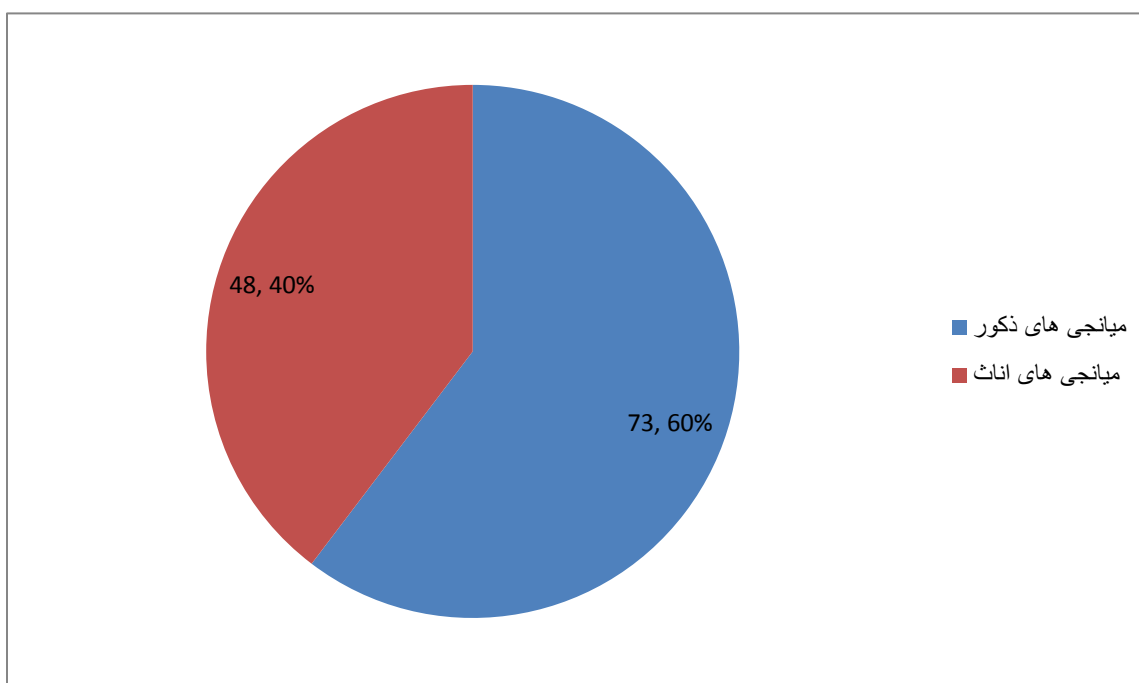
زمانیکه کارمندان اناث نهاد ها، مؤسسات غیرحکومتی یا میکانیزم های سستی حل و فصل منازعات مانند (شوراهای زنان) در نشست های میانجیگری اشتراک نمودند، خانم های که با ایشان گفتگو صورت گرفت از حمایت و پاسخ حساسی که بدست آوردند قدردانی نمودند. حضور زنان در جلسات اکثراً بمثابة تقویت بیشتر اعتماد به نفس زنان متضرر تلقی میشود. در مورد، خانم های که با ایشان گفتگو صورت گرفت، نسبت به حمایت و پاسخ های "قابل توجه" از سوی بعضی از کارمندان اناث این نهاد ها ابراز قدردانی نمودند. مثالهای از این نوع حمایت عبارت از گفتگوی یک کارمند اناث ریاست امور زنان با یک دختر در داخل مکتب آن دختر جهت رسیدگی به نیازمندیهایش و عیادت یک خارنوال اناث از یک خانم متضرر در شفاخانه بود.

یوناما مشاهده نمود که سطح رضایت زنان مشخصاً به جنسیت فراهم کننده خدمات ارتباط نداشته است. زنان بدون درنظرداشت مسئله جنسیت، اهمیت مساوی نسبت به تخصص و اعتماد به مسئول یا میانجی که قضیه آنان را به پیش میبرد قابل بودند. بطور مثال، در شش مورد، برخورد غیرمسلمکی از سوی خارنوالان اناث و کارمندان اناث ریاست امور زنان باعث بجا گذاشتن تأثیر منفی روی وضعیت یک زن متضرر گردید که این برخورد غیر مسلمکی شامل اهانت لفظی زن متضرر و مدیریت یا پیگیری ضعیف قضیه وی می شد. اگرچه در ۱۰ مورد، زنان شاکی بیان داشتند که آنها از اینکه توسط یک مرد در مورد همچو مسایل حساس مصاحبه می شدند (۹ مورد آن توسط اعضای ذکور نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان و یک مورد آن توسط یک عضو ذکور شورا صورت گرفته بود)، احساس خجالت و ناراحتی می کردند، ولی در اکثریت این موارد، حضور مردان متخصص و شایسته مانع قابل ملاحظه ای فرا روی زنان در بیان آزادانه وضعیت شان و شرح بدرفتاری که علیه آنها صورت گرفته است، نشده است.

زنان نسبت به میانجی هائی که دارای شهرت نیک، مورد اعتماد (بطور مثال اقارب) و با اهلیت (مانند شورای علما) بودند و کار میانجیگری را با امانت داری و صداقت انجام می دادند، بطور مکرر ابراز رضایت نمودند، صرف نظر از اینکه این میانجی

ها مرد بودند و یا زن. یوناما ثبت نمود که ۴۰ درصد میانجی های شناخته شده^{۶۴} زنان بودند که اکثراً در استخدام نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان مانند بخش رسیده گی به قضایای خانواده گی وزارت امور داخله، ریاست امور زنان و خاړنوالی ها بودند. میانجیگری هائی که توسط میکانیزم های سستی حل و فصل منازعات صورت گرفت، هنوز هم کاملاً تحت سلطه مردان بوده است، البته به جز چند مورد استثنائی (مثلاً شورا های زنان، عضو اناث شورای ولایتی) که در آن زنان حضور داشت.

گراف شماره ۴: تفکیک میانجی ها به اساس جنسیت



یافته های یوناما نشان میدهد که نیاز است تا حکومت استخدام کارمندان مسلکی زن را در همه نهاد های قانون منع خشونت علیه زنان افزایش داده و موازی به آن برنامه های منظم آموزشی را برای همه کارمندان اعم از ذکور و اناث این ادارات راه اندازی نماید تا ظرفیت این نهادها بلند رفته و با متضررین خشونت ها بطور مسلکی، با حرمت، حساسیت و احترام برخورد صورت گیرد. یوناما تأکید مینماید که تضمین مسلکی بودن پرسونل و حساس بودن آنها نسبت به مسایل جندر در راستای جلب هرچه بیشتر اعتماد مردم نسبت به این نهاد ها مهم بوده و آنها را تشویق مینماید تا رویداد های خشونت علیه زنان را به این نهاد ها گزارش دهند .

^{۶۴} یوناما ۷۳ میانجی مرد و ۴۸ میانجی زن را شناسائی نمود. معلومات در مورد جنسیت ۲۶ میانجی دیگر در دسترس نبود.

۶. ۴ دیدگاه زنان در مورد نتایج قضایای شان

"من قصد ندارم که از شوهرم جدا شوم و یا طلاق بگیرم. صرف میخواستم که مشکل ام به شکل مناسب حل و فصل گردد. یگانه دلیل عمده آن اطفال من است. اگر طلاق بگیرم، اطفال من آینده خرابی را در پیشرو خواهند داشت، زیرا شوهرم یک خانم دیگر خواهد گرفت. نمیتوانم اطفال خود را در وضعیتی بینم که زیر دست مادراندر باشند."

س. ۲۵ ساله، از ولایت بدخشان، جنوری ۲۰۱۵

"من بسیار خوشحال هستم که محکمه پدرم را به حبس محکوم نمود (قضیه آزار و اذیت مطابق بند دوم ماده ۳۰ قانون منع خشونت علیه زن)، اما از اینکه مدت حبس او شش ماه است، راضی نیستم. میخواستم محکمه پدرم را اعدام کند."

ف. ۱۹ ساله، از ولایت فاریاب، فبروری ۲۰۱۴

فیصله های محاکم بعد از رسیدگی به قضیه

یوناما عکس العمل های متفاوتی از سوی ۱۰ خانمی که قضایای شان از سوی محکمه مورد رسیده گی قرار گرفت را ثبت نموده است. پنج تن از این خانم ها رضایت شانرا در مورد نتیجه حاصله از روند محاکمه که شامل سه حکم حبس طویل و متوسط^{۶۵} میشد ابراز نمودند. در پنج مورد دیگر، خانم های که با ایشان گفتگو صورت گرفت، مجازات تعیین شده از سوی محکمه را بسیار خفیف (جریمه نقدی و یا حبس قصیر) دانستند. دو تن از خانم های متضرر به این نظر بودند که مجازات اعدام مناسب ترین مجازات در قضیه آنان بود – اگرچه مجازات اعدام برای جرمی که علیه آنها صورت گرفته بود از لحاظ قانونی، قابل تطبیق نبود.

چندین خانم دیگری که خواهان رسیده گی قضایای شان از سوی محاکم بودند، روی اهمیت دستگیری عاملین خشونت تاکید داشتند. این زنان به این نظر بودند که عدم اجرای اقدامات قانونی (مثلاً حکم دستگیری) از سوی مقامات تنفیذ قانون و مقامات عدلی و قضائی در زمان معین آن باعث مایوسیت و عدم اعتماد آنها نسبت به نظام عدلی و قضایی میگردد. یک تعداد زیاد زنان به مسئله حاد فساد اداری اشاره نموده و افزودند که مقامات ادارات تنفیذ قانون خواهان اخذ رشوه به عنوان پیش شرطی برای پیگیری شکایات شان گردیده اند.

^{۶۵} برای معلومات بیشتر پیرامون جزاها به مواد ۹۷ الی ۱۰۴ قانون جزای افغانستان مراجعه نمایید.

تعداد زیادی از زنان مصاحبه شده که قضایای شان از طریق میانجیگری رسیدگی گردید، اظهار داشتند که در فیصله های صورت گرفته، خواسته های شان منعکس یافته است.

یوناما مواردی را ثبت نموده است که در آن، مسائل زور و قدرت، طور مستقیم و یا غیر مستقیم، روی توانائی زن در انتخاب آزادانه ای شرایط میانجیگری تاثیر منفی برجای گذاشته است. در سیزده مورد، زنان دخیل در قضیه به این باور بودند که فیصله بگونه ای مستقیم از سوی عضو فامیل و یا میانجی بالای آنها تحمیل گردیده است (شش قضیه از طریق میکانیزم های سنتی حل و فصل شده بود، شش قضیه توسط نهاد های تنفیذ قانون منع خشونت علیه زنان و یک قضیه توسط یک سازمان غیر دولتی "انجو"). در جریان مصاحبه ها عواملی چون ترس از دست دادن سرپرستی فرزندان و فقر بگونه ای مکرر به عنوان عواملی مطرح گردید که بطور غیر مستقیم روی تصمیم زنان برای دوباره یکجا شدن با همسران شان، حتی اگر به مفهوم باقی ماندن در یک رابطه خشونت بار هم بوده باشد، تاثیر گذاشته است.

چندین تن از زنان مصاحبه شده در مورد تنفیذ تصمیم توافق شده در جریان میانجیگری ابراز تردید نمودند زیرا این تصمیم از لحاظ حقوق الزام آور نبودند. زنان استقبال کردند از اینکه میانجی فیصله های صورت گرفته را بشکل کتبی به عنوان ضمانت خط تهیه می دارد و به تعهدات شفاهی بسنده نمی کند، آنان از ثبت یک نقل از این ضمانت خط ها در نهاد های تنفیذ قانون منع خشونت نیز حمایت کردند. ولی این کار در تعداد اندکی از قضایای مورد مطالعه عملی شده است. بمنظور جلوگیری از خشونت بیشتر، در ضمانت خط ها احکام مشخصی درج شده است مبنی بر اینکه اگر مرتکب عمل خشونت در آینده بار دیگر دست به عمل خشونت علیه شخص قربانی بزند، وی تحت تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت. اگرچه میکانیزم های پیگیری تطبیق فیصله ها بندرت وجود داشته است، اما دیده شده است که حضور اشخاص مورد احترام (چون بزرگان محل) و اخذ امضای شاهدان در بعضی از موافقتنامه ها سبب رضایت مجنی علیها شده است، زیرا حضور اشخاص مورد احترام و امضاء شاهدان پیگیری نزدیکتر و تنفیذ بالقوه تعهدات را تضمین می نماید.

چندین تن از زنان مصاحبه شده اظهار نمودند که عدالتی که از طریق فیصله های محاکم و یا میانجیگری تأمین شده است، راه حل قسمی مشکلات شان می باشد؛ بلکه باید این فیصله ها همراه با بدیل های موثری به جای باقی ماندن در یک رابطه خشونتبار و نیز حمایت از ادغام مجدد شان در اجتماع باشد. بگونه مثال، این بدیل ها شامل حمایت از توانمند سازی اقتصادی زنان از طریق تأمین فرصت های کاری برای آنها، برنامه های خودکفایی زنان، کمک ها در زمینه تهیه مسکن و برنامه های آگاهی دهی برای از میان برداشتن ذهنیت شرم و عیبی که به زنانی که تنها زندگی می کنند، نسبت داده می شود، می باشد.

۶. ۵ مطابقت فیصله های محاکم و رویه های مشاهده شده در میانجیگری با اصول بین المللی

در ارتباط به معیار های پذیرفته شده ای حقوق بشر و اصول میانجیگری، یوناما در روش های فعلی میانجیگری و رسیدگی قضائی به قضایای خشونت علیه زنان نقاط ضعف و قوتی یافته است. بگونه اخص:

مبنای حقوقی روند میانجیگری: قوانین افغانستان میانجیگری را به عنوان بدیلی برای عدالت جزایی در برخی از موارد خشونت علیه زنان به صراحت مجاز دانسته است، البته به استثنای جرایم خاصی که باید از طریق سیستم عدلی و قضائی مورد تعقیب عدلی قرار داده شود.^{۶۶} یوناما مشاهده نموده است که چهار قضیه از پنج قضیه ثبت شده ای اجبار به فحشا و سه عمل اجبار به خود سوزی و یا خود کشی از طریق سیستم عدالت جزایی مورد تعقیب عدلی قرار گرفت از جمله، سه قضیه متذکره توسط دیوان های جزایی مورد رسیدگی قضائی^{۶۷} قرار گرفت که بر اساس قوانین افغانستان ایجاد گردیده بودند.^{۶۸} بنابراین، به استثنای یک قضیه اجبار به فحشا، در جرایمی که باید از طریق تعقیب عدلی جزایی مورد رسیدگی قرار می گرفتند، میانجیگری صورت نگرفته است که این موضوع در همخوانی با چارچوب حقوقی موجوده قرار دارد.

رضایت: یوناما یازده موردی را ثبت نمود که در آن، تصمیم برای شامل شدن در روند میانجیگری بالای مجنی علیها تحمیل شده بود که در مغایرت با اصل داوطلبانه بودن میانجیگری قرار دارد. هیچ موردی گزارش نشده است که در آن، زنان مجبور ساخته شده باشند که شکایت شان را در سیستم عدالت جزایی ثبت نمایند.

اشتراک فعالانه و مساویانه در روند میانجیگری: یوناما در مورد جریاناتی که در آن به زنان قربانی خشونت اجازه حضور داده نشده بود نگران می باشد؛ این اتفاق در شش جلسه میانجیگری و شش جلسه استماعیه محکمه رخ داده است. با وجود آنکه یافته ها بیانگر آنست که میانجی ها بطور عموم به هر دو جانب قضیه فرصت مساوی اشتراک و حضور فعال در نشست را داده اند، اما یوناما شاهد فقدان روش های هماهنگ به منظور مدیریت و ارزیابی متداوم نابرابری عمده ی قدرت میان قربانیان خشونت و عاملین خشونت بوده است. بگونه مثال، میانجی ها از گزینه ی برگزاری جلسات جداگانه بندرت استفاده می

^{۶۶} به زیر نویس شماره ۶ مراجعه شود.

^{۶۷} سه قضیه تحت دوران قرار دارد که در یک قضیه زن از شکایت خود منصرف شد و قضیه دیگر از طریق میانجیگری حل و فصل گردید.

^{۶۸} نظارت منظم بر قضایای خشونت علیه زنان توسط یوناما خارج از محدوده این تحقیق، نشان می دهد که در خصوص اینکه کدام قضایا را می توان از طریق میانجیگری حل کرد و کدام قضایا باید بر اساس احکام قانون منع خشونت علیه زن به تعقیب جزایی ارجاع گردد، یک سوء تفاهم عمومی وجود دارد. در ولایت قندهار از جنوری سال ۲۰۱۴ الی فبروری سال ۲۰۱۵ مشاهده شده است که جرایم خاصی که باید از طریق عدالت جزایی مورد تعقیب عدلی قرار می گرفتند، از طریق میانجیگری حل و فصل شده اند که این امر نقض ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن محسوب می شود. یوناما آگاهی حاصل نموده است که دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در قندهار ۴۹ قضیه جرمی را از طریق میانجیگری حل و فصل نموده که بر اساس ماده ۲۱ قانون منع خشونت علیه زن (اجبار به خود سوزی و یا خود کشی) جرم محسوب شده است. به همین قسم، ریاست امور زنان ولایت قندهار هشت قضیه اجبار به فحشا (ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن) را از طریق میانجیگری حل و فصل نموده است.

نمودند. یوناما تفاوت های زیادی در مدت زمان روند میانجیگری نیز مشاهده کرده است که گستره ای این تفاوت از یک الی ده جلسه میانجیگری در یک قضیه می باشد.

مصئونیت و حفاظت: نبود مکانیزم های نظارتی و تطبیقی بر توافقات حاصل شده در روند میانجیگری موجب نگرانی خاص می باشد. از اینکه بسیاری از قضایا با یکجا شدن دوباره مجنی علیها با مرتکب عمل خشونت، به منظور حفظ شالوده خانواده و یا نظم اجتماعی، حل و فصل می گردد، خطر اینکه شاید میانجیگری زنان را در معرض خشونت و یا بدرفتاری (یا تهدید به) بدرفتاری و یا خشونت بیشتر قرار دهد را نیز نمی توان دست کم گرفت. تامین امنیت شاکی در جریان روند میانجیگری و اجراءات قضایی، بویژه بعد از اختتام آن، مستلزم توجه لازم نهاد میانجیگر و همکاری با نهاد های تنفیذ قانون و خدمات اجتماعی می باشد. بر اساس معلومات یوناما، یگانه مکانیزم تحفظ که در جریان رسیدگی محکمه به قضیه، استفاده می شود، ارجاع مجنی علیها به خانه امن بوده است. در یک قضیه، زن قربانی خشونت نسبت به امنیت خود و فرزندان اش، پس از رهائی شوهرش از حبس یک ماهه، ابراز نگرانی نمود.

بیطرفی: اظهارات زنان که توسط یوناما ثبت شده است، به وضوح نشان می دهد که میانجی ها حین کمک به طرفین دعوا جهت دست یافتن به یک راه حل مورد قبول طرفین، به ندرت نقش بیطرفانه خود را حفظ نموده اند. در عوض، در بسیاری موارد، میانجی ها نقش فعالانه ی در مذاکرات بازی نموده و بعضاً از راه حل هائی حمایت می کردند که از طرف عاملین خشونت مطرح شده بود و یا از منافع متضررین خشونت به عنوان راهی برای رفع نابرابری موجود قدرت میان طرفین قضیه، دفاع می کردند. روش انتخاب میانجی هائی که از نتیجه ی حاصله از میانجیگری منفعت مادی و یا اجتماعی بدست می آورند، می تواند مانع بیطرفی آنها در حل قضیه شود. در دوازده مورد، زنان به یوناما گفتند که مسئولین دولت که در قضایای شان میانجیگری می کردند، بنابر منافع شخصی (مثلاً داشتن رابطه با مرتکبین خشونت) و یا فساد اداری در کار میانجیگری بیطرف نبودند که این مسئله بازتاب دهنده ی نگرانی ها در مورد سیستم عدالت جزایی می باشد. در نتیجه، این زنان گفتند که مسئولین مذکور در جریان میانجیگری بطور غیر موجه اقدام به اعمال فشار نمودند که روند قضیه آنها را متاثر ساخت.

تخصص: پیچیدگی و حساسیت قضایای خشونت علیه زنان مستلزم افسران متخصص قضیه است که آموزش کافی دیده باشند تا به شکایت زنان قربانی خشونت رسیدگی نمایند و آنان را در پروسه ای بدست آوردن عدالت رهنمائی کند. مدیریت این گونه روند ها ایجاب مهارت های ویژه ای را می کند که نمیتوان آنها بدون آموزش کسب کرد. بر اساس معلومات یوناما شماری از جلسات آموزشی در مورد مکانیزم های ثبت و ارجاع قضایای زنان قربانی خشونت برای نهاد های تنفیذ قانون و نهاد های عدلی و قضایی در سرتاسر افغانستان راه انداز شده است. انجوها یکه خانه های امن را مدیریت می کنند نیز به کارمندان شان در مورد میانجیگری های دارای حساسیت جندر آموزش می دهند. با آنهم تلاش ها برای ظرفیت سازی ارائه کنندگان خدمات محدود است. بر اساس اظهارات زنان مصاحبه شده، عملکرد افسران موظف در قضیه بگونه ای وسیع

متفاوت بوده است که بیانگر ضرورت تقویت تخصص و کاردانی، کارکنان نهاد های قانون منع خشونت علیه زن که با زنان شاکی در تماس هستند، می باشد.

بر اساس تجربه ای زنان، استفاده از میکانیزم های سنتی حل و فصل منازعات برای حل قضایای خشونت علیه زنان، با در نظر داشت عدم آموزش رسمی از قبل در مورد میانجیگری و نبود میکانیزم های حسابدهی می تواند منجر به میزان گسترده معافیت از مجازات به سبب اعمال خشونت بار علیه زنان و دختران گردد و در نتیجه باعث عدالت کمرنگ و یا بی عدالتی خواهد شد.

نتایج متمرکز بر رعایت حقوق: مشاهدات یوناما از فیصله های نهایی ده قضیه بررسی شده توسط محکمه نشان دهنده ای عدم تطبیق یکسان مجازات های پیش بینی شده در قانون منع خشونت علیه زن می باشد. در ارتباط به توافقات حاصل شده در جریان میانجیگری ها، در مورد استفاده از روش توافقات شفاهی و نبود مقررات سیستماتیک و شرایطی که بیانگر مسئولیت های فرد و نهاد میانجیگری در مرحله پیگیری قضیه باشد، سبب بروز نگرانی ها شده است. در بعضی از قضایا زنان به رضایت خود فیصله ها را قبول نکردند که در نتیجه، فیصله بر آنان تحمیل شد.

۷. چالشهای عمده

۷.۱. خلا ها در چارچوب حقوقی موجود

هر شکایت در مورد خشونت علیه زنان اساساً از طریق قانون منع خشونت علیه زن مورد رسیدگی قرار می گیرد، که قانون متذکره بدون آنکه برای زنان قربانی خشونت کدام راه حل مدنی دیگر عرضه کند، بر اعمال مجازات تمرکز دارد. تحقیقات یوناما نشان داده است که هر چند تعقیب عدلی برای شماری از زنانی که مورد خشونت واقع گردیده اند راه حلی بدست می دهد، ولی بطور جامع جوابگوی نیازمندی های زنان به حمایت نمی باشد.

تقویت راه های حل مدنی میسر برای زنانی که خشونت را تجربه می نمایند، مانند موجودیت اوامر محکمه در مورد حفاظت زنان و بازداشتن عامل خشونت از توسل به خشونت، موضوع لازمی می باشد زیرا این راه حل ها مصونیت حقوقی زنان در برابر عاملین خشونت را تامین خواهد کرد. بطور مثال اینگونه اوامر میتواند حق باقی ماندن زن در منزل شوهر را تضمین کند که به نوبت خود سرپناه امنی برای زن در منزل خودش مهیا می سازد. در آنصورت مجازات جزایی را در زمانی می توان عملی کرد که عامل خشونت از شرایط مندرج امر محکمه تخطی نماید.

در قانون حاضر هیچ حکم روشنی وجود ندارد که پدر را مکلف به تامین نفقه فرزندان در زمانی که تحت حضانت مادر شان هستند، نماید، بویژه زمانی که زن کار نمی کند. زمانی که فرزندان توسط پدر شان حمایت نشوند، زن تفریق شده و یا مطلقه

مجبور است که به حمایت فامیلش اتکا کند که این اتکا شاید بار اضافی را بر روی منابع که از قبل محدود بوده است، بیندازد. این مسئله نیز باعث می شود تا فرزندان تحت سرپرستی پدر قرار داده شوند زیرا اکثر مادران قادر نیستند که بطور مناسب معیشت فرزندان شانرا تامین نمایند. یک زن مطلقه از لحاظ مالی بار دوش پدر و یا برادرانشان می باشد که ترجیح میدهند او را برای بار دوم به ازدواج بدهند. در چنین وضعیتی، فرزندان شوهر اولی بطور سیستماتیک به پدر شان بازگردانده می شوند زیرا بعید است که برای زن طلاق شده ای دارای فرزند خواستگار پیدا شود. قابل یادآوری است که باوجود آنکه زن بر اساس قوانین افغانستان حق مشروع در ملکیت پدر دارد و همچنان ملکیت شوهر^{۶۹} به شرط آن طلاق داده نشوند، ولی در عمل شمار بسیار اندکی از زنان سهم شانرا بدست می آورند.

هراس از تعقیب عدلی به اتهام جرم "زنا" حق آزادی گشت و گذار زنان و نیز حق آنها در تصمیم گیری برای خاتمه بخشیدن به ازدواج خشونت بار را شدیداً محدود می سازد. زنانیکه که تلاش دارند بعد از خاتمه دادن به یک رابطه زوجیت خشونت بار به تنهایی زندگی نمایند نیز با خطرات مشابه روبرو می باشند. تداوم تعقیب عدلی زنان و دختران به اتهام "زنا" و یا "اقدام به ارتکاب زنا"^{۷۰} تخطی از معیارهای بین المللی حقوق بشر^{۷۱} بوده و یک خلاء جدی حقوقی دیگری را تشکیل می دهد که زنان را مجبور می سازد تا شرایط خشونت بار را تحمل نمایند.

^{۶۹} اسباب کسب ملکیت تدوین شده در قانون مدنی افغانستان: ماده ۲۰۰۷ (۲)؛ زوجه گر چه مطلقه رجعی باشد در صورتیکه شوهر در حال بقای عدت او وفات نماید، و یا زوجات در صورت نداشتن اولاد یا اولاد پسر گر چه مراتب او تنزیل نماید، چهارم حصه میراث و در صورت وجود اولاد یا اولاد پسر گر چه مراتب تنزیل کند هشم حصه میراث را مستحق می شوند.؛ ماده ۲۰۰۸؛ دختران با رعایت حکم ماده (۲۰۱۹) این قانون حسب ذیل مستحق میراث می گردند:

۱- یک دختر نصف دو یا بیشتر از آن ثلثان میراث را مستحق می گردند.

۲- دختران پسر در حال نداشتن دختر یا دختر پسر که از حیث درجه از وی بالاتر باشد، مستحق میراث مندرج فقره فوق می گردند، دختران پسر یکی باشند یا بیشتر از آن، در صورت موجودیت دختر یا دختر پسر که در درجه بالاتر از وی قرار داشته باشند، مستحق ششم حصه میراث می گردند؛

ماده ۲۰۰۹؛ خواهران عینی با رعایت حکم مواد (۲۰۹۱ و ۲۰۲۰) این قانون حسب آتی مستحق میراث می باشند:

۱- یک خواهر عینی نصف و دو یا بیشتر از آن ثلث میراث را مستحق می گردند.

۲- خواهران پدیری در حال نداشتن خواهر عینی، حصص مندرج فقره فوق را و با موجودیت یک خواهر عینی، ششم حصه میراث را مستحق می شوند. اعم از اینکه خواهران پدیری یک نفر باشد و یا بیشتر از آن؛

^{۷۰} ماده ۴۲۷ (۱) قانون جزای افغانستان چنین بیان می کند؛ شخصیکه با مونث زنا یا لواط و یا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.؛

ماده ۲۹ (۱) چنین بیان می کند؛ شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای فعل به قصد ارتکاب جنایت یا جنبه به نحویکه نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن متوقف یا خنثی شده باشد؛

^{۷۱} معیارهای بین المللی حقوق بشر تصریح میدارد که زنا نباید در عمل جرمی تلقی شود زیرا ممکن است که این کار باعث تخطی از حق حریمیت اشخاص بالغی بالغی که به رضایت دست به رابطه جنسی می زنند، گردد که نقض ماده ۱۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد که افغانستان عضو آن است. همچنان در میان سایر اسناد بین المللی به اسناد ذیل نیز نگاه نمایید: CEDAW/C/YEM/CO/6 (CEDAW, 2009), Yemen; A/58/38(SUPP) (CEDAW, 2003), Congo; CCPR/C/SDN/CO/3 (HRC, 2007), Sudan

۲.۷ نبود طرز العمل های معیاری برای میانجیگری

چنانچه در ارزیابی های ساحوی یوناما بطور واضح نشان داده شده است، میانجیگری توسط طیف وسیعی از فعالین صورت گرفته است که آنان نقش و مسؤولیت های شانرا به اشکال مختلف اجرا/تعبیر نموده و ضمانت های حقوقی برای محافظت از زنان را به اشکال متفاوت تطبیق نموده اند. یوناما شیوه های بسیار متفاوتی را در طرز رسیدگی به قضایای مشابه، ثبت آن ها^{۷۲}، نتیجه و میکانیزم های پیگیری آن قضایا، ثبت نموده است. در نتیجه، روند میانجیگری کاملاً خودسرانه بوده که امکان برخورد غیرمنصفانه با یکی از طرفین قضیه را بالقوه بوجود می آورد. نبود یک طرز العمل معیاری منتج به نقض بعضی از حقوق اساسی زنان گردیده است. چنانچه مشاهده شد در بعضی از قضایا به زنان اجازه داده نشد که در نشست میانجیگری حضور یابند؛ یا مجبور شدند که برای حل و فصل قضیه شان میانجیگری را اختیار کنند و یا مجبور شدند که فیصله های تحمیلی را قبول کنند. این فقدان مشارکت و رضایت در موافقت با ویژگی های اساسی روند میانجیگری در مغایرت قرار دارد و موجب نقض حقوق زنان می گردد.

طرح و ترتیب رهنمود منسجم در مورد میانجیگری قضایای خشونت علیه زنان باعث ترویج رعایت معیار ها و نورمهای حقوق بشری حین میانجیگری خواهد شد. مفاد مندرج توافقنامه های میانجیگری باید خشونت علیه زنان را محکوم کند و راه حل های پیشنهاد کند که منصفانه، مصئون، داوطلبانه، محرم و عاری از هر گونه تخویف و تبعیض بوده و در آن، حقوق و عزت طرفین شامل قضیه کاملاً احترام شود. تعیین حد اقل مدت زمان لازم برای روند میانجیگری برای حل و فصل قضایا (بطور مثال مشخص ساختن حد اقل تعداد نشست های میانجیگری) می تواند این امکان را میسر سازد که طرفین قضیه مفاد و شرایط توافقنامه را کاملاً بفهمند و برای یک فیصله عجولانه تحمیلی مجبور نشوند.

۳.۷ آموزش نامتوازن اشخاصی که در قضایا میانجیگری می کنند

این یک حقیقت هویدا است که در افغانستان – باوجود آنکه همکاران ملی و بین المللی یک سلسله برنامه های آموزشی در زمینه میانجیگری انجام داده اند – شمار اندکی از میانجی ها آموزش دیده اند که بتوانند بیطرفی در میانجیگری را رعایت کنند و پیچیدگی های قضایای خشونت علیه زنان را بخوبی مدیریت کنند.

یوناما ملاحظه نموده است که مدیریت کردن عدم توازن قدرت در بین طرفین قضیه در جریان میانجیگری نیازمند تخصص ویژه ای است که نمی توان آنرا بدون آموزش بدست آورد. لازم است حق زن قربانی خشونت در انتخاب آزادانه گزینه ها فارغ از هرنوع فشار، تخویف و یا اکراه طی نشست های متعدد با زن قربانی مورد بررسی قرار گیرد و در کنار آن، عواملی که بگونه ای مستقیم و غیر مستقیم روی تصمیم گیری های زنان تاثیر گزار است، باید به دقت تحلیل و ارزیابی شوند. ارائه

^{۷۲} هیچگونه فورمه ای معیاری برای این گونه توافقات در نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن و یا میکانیزم های سستی حل و فصل منازعات وجود ندارد.

معلومات کافی در مورد میسر بودن گزینه های گوناگون حقوقی و میکانیزم های حفاظتی می تواند یکی از ضمانت های باشد که با اتکاء به آن، می توان مطمئن شد که زنان به میل و اراده خود در روند های قضایی و یا میانجیگری اشتراک می کنند.

یافته های یوناما نشان می دهد که میانجی ها در قضایای انفرادی عملکرد نا همگون داشته اند. در برخی موارد، مشاهده شده است که میانجی ها از نورم ها و سنت های فرهنگی مردسالاری استفاده کرده اند و برای مطیع ساختن زنان و تداوم خشونت علیه آنان از دین تعبیر نادرستی ارائه داده اند و با این کار، حقوق قانونی زنان را نقض کرده اند. در شمار دیگری از قضایا، میانجی ها وظایف شان را با احترام کامل به حقوق و عزت طرفین قضیه، بویژه زنان، انجام داده اند.

یوناما بر اهمیت ظرفیت سازی دوامدار نهاد های مندرج قانون منع خشونت علیه زن در مطابقت با نورم ها و معیار های بین المللی و همچنان ایجاد یک تشکل وسیع از افسران و میانجی های آموزش دیده - شامل مردان و زنان - که از جانب یک نهاد با صلاحیت اختصاصی آموزش دیده و جواز فعالیت داده شده باشند، تاکید می کند.

۷.۴ عدم تطبیق فیصله ها و توافقات میانجیگری

تنفیذ فیصله های صورت گرفته بر مبنای قانون منع خشونت علیه زن، درصورتیکه از روند میانجیگری حاصل شده باشد، ضعیف و کم رنگ می باشد. فیصله هایکه از روند میانجیگری حاصل می شود اکثراً شامل تضمیناتی از سوی بزرگان محل و یا فامیل، مبنی بر پیگیری تطبیق توافقات می باشد. ولی، هیچگونه میکانیزم حقوقی وجود ندارد که در صورت تخطی از توافقات، ضمانت کننده و یا عامل خشونت را مورد پیگرد و حسابدهی قرار دهد. اکثریت این توافقنامه ها در داخل دوسیه های نهاد میانجیگری کننده باقی مانده و به ندرت بگونه ای رسمی ثبت و راجستر می شوند زیرا هیچگونه الزام حقوقی مبنی بر ثبت این توافقات وجود ندارد.

یوناما دریافته است که نهاد های تنفیذ قانون منع خشونت علیه زنان بعد از آنکه قضایا را میانجیگری می کنند اکثراً میکانیزم مناسب برای پیگیری تطبیق توافقاتی که بین طرفین صورت گرفته است ندارند. طبق یافته های یوناما منابع بشری و مالی محدود مانع پیگیری درست قضایا می شود.^{۷۳} وضعیت شکننده امنیتی مانع دسترسی مسئولین به ساحات دور دست و نا امن شده است که این مسئله توانایی آنها جهت پیگیری قضایای انفرادی را محدود کرده است. در نتیجه، در اکثر قضایا، به طرفین اختیار داده شده است که در صورت عدم قناعت، به میانجی ها مراجعه نمایند. در جریان تحقیق مشخص گردید که به دلیل

^{۷۳} بطور مثال، یکی از ریاست های امور زنان به یوناما گفت که اکثراً تنها گزینه تامین ارتباط با زن قربانی خشونت ارتباط تلفونی می باشد، که در بسیاری از قضایا بعد از دستیابی به یک فیصله نهایی شماره تلفون زن خاموش می شود. نداشتن کریدت کافی در تلفون نیز یکی از موانع گفته شده است. نشست های یوناما با رئیس حقوق وزارت امور زنان، ۲۰ جنوری سال ۲۰۱۵- کابل؛ نشست با رئیس حقوق ریاست امور زنان پلخمیری، ۱۰ دسمبر ۲۰۱۴؛ نشست با رئیس امور زنان قندهار، ۲۱ فبروری ۲۰۱۵، نشست با رئیس امور زنان ولایت هرات، ۲۰ جنوری ۲۰۱۵.

تکرار خشونت و هراس، امکانات زنانی که مورد خشونت مجدد قرار می گیرند برای مراجعه دوباره به میانجی ها و یا گزارش دهی رفتار خشونت بار بسیار محدود می باشد.

۵.۷ ضعف های سیستم عدالت جزایی

یافته های یوناما نشان می دهد که شمار زنانیکه تعقیب عدلی جزایی عاملین خشونت را برگزیده اند، اندک می باشد. محدود بودن دسترسی به نهاد های قضایی و یا مشکلات ناشی از طی مراحل و دوران قضایا از جمله موانعی هستند که زنان را دلسرد می سازد تا شکایات شان را از طریق مراجع قضایی به پیش ببرند. چنانچه در بالا تذکر داده شد، نگرانی های گسترده در مورد عدم موثریت سیستم عدلی و قضایی و وجود فساد در این سیستم در جریان طی مراحل قضایا، دلیل اصلی زنان برای انتخاب روند میانجیگری بوده است.

دسترسی محدود به مساعدت های حقوقی در سراسر کشور منحصراً یک چالش کلیدی فراراه دسترسی زنان به عدالت باقی است. حتی در مناطقی که این نوع مساعدت های حقوقی توسط فعالین حکومتی و یا غیر حکومتی ارائه می شود، زنان به سبب نبود تعلیم و تربیه و/یا عدم دسترسی به معلومات در مورد موجودیت این گزینه ها لزوماً آگاهی ندارند. خانه های امن یا مراکز حمایتی زنان، یا مساعدت های حقوقی را بگونه ای مستقیم عرضه نموده و یا زنان قربانی خشونت را به نهاد های مساعدت های حقوقی معرفی می نمایند.

۶.۷ تاثیر نگرش های سنتی و مذهبی بالای تصامیم زنان

یوناما مشاهده نموده است که تصامیم زنان در قضایای خشونت به گونه ای عمیق از نورم های اجتماعی - فرهنگی حاکم بر جامعه متاثر بوده است. آنان خود را مسئول یکجا نگهداشتن خانواده می دانند و اکثراً به این باور اند که به هر قیمتی باید اساس خانواده را حفظ نمایند. مطرح کردن مسایل فامیلی در بیرون از منزل عمل ناپسندیده تلقی می شود و زنان را از صحبت در مورد مشکلات داخل خانواده بازداشته است. از آنجاییکه نورم های اجتماعی - فرهنگی حاکم بر جامعه زنان را مسئول فامیل شان قرار می دهد، هر گونه مشکل فامیلی به زن نسبت داده شده و نقص او پنداشته می شود. شمار زیادی از زنان مصاحبه شده به یوناما خاطر نشان ساختند که خانواده های شان آنان را از گزارش دادن قضایای خشونت باز می دارند.

نگرش های اجتماعی - فرهنگی در برخورد نهادهای تنفیذ قانون با زنانی که خشونت را گزارش می دهند، نیز منعکس یافته است و اکثراً این نهاد ها زنان را مقصر وضعیت موجود شان می دانند. یوناما مشاهده نموده است که اکثراً تحقیقات بر یافتن تقصیر در وجود زنان متمرکز است تا مردان. اینگونه نگرش کارمندان نهاد های تنفیذ قانون مانع آن شده است که به قضایای خشونت علیه زنان توجه لازم مبذول شود.

تعبیر غلط از وظایف و حقوق زنان تحت قوانین افغانستان و اسلام نیز بگونه ای وسیع رایج می باشد که این تعبیر نادرست سبب شده است که زنان قربانی خشونت فکر کنند که خشونتی که علیه آنان ارتکاب یافته است عمل مشروع و قانونی می باشد. مثال بارز این موضوع را می توان در این تصور عمومی دید که فکر می شود حضانت فرزندان همیشه به عهده پدران گذاشته خواهد شد، در حالیکه قوانین افغانستان برای مادران حق حضانت فرزندان پسر را تا سن هفت سالگی و حضانت فرزندان دختر را تا سن نه سالگی می دهد.^{۷۴} شمار زیادی از زنان مصاحبه شده گفتند که آنان به سبب ترس از دست دادن حضانت فرزندان شان خشونت را قبول و تحمل نموده اند.

۷.۷ آسیب پذیری اقتصادی

تعدادی زیادی از زنان مصاحبه شده در جریان این تحقیق و همچنان از طریق نظارت های مداوم یوناما گفتند که آنان حاضر اند رفتار خشونت بار را تحمل کنند زیرا عاملین خشونت اکثراً تامین کنندگان مالی شان بوده اند. در نبود برنامه های مصئونیت اجتماعی در افغانستان و با توجه به سطح پائین اشتغال زنان، زنان معمولاً از لحاظ مالی به پدر، شوهر و یا برادر شان وابسته اند. طرح شکایت علیه اینگونه عاملین خشونت به مفهوم قطع حمایت مالی از جانب آنها می باشد که این کار نتایج بسیار ناگواری برای تمام فامیل در پی دارد.

زمانیکه عاملین خشونت زندانی می شوند افراد وابسته به آنان با واقعیت تلخ از دست دادن حمایت مالی که توسط عامل خشونت برای آنان تأمین میگردید، مواجه می شوند. خانه های امن نیز اکثراً گزینه کوتاه مدت بوده و صرفاً در حالات بسیار ناچاری برگزیده می شوند. زندگی در خانه های امن نیز با یک نوع عیب و بدنامی همراه است و برای زنانی که در خانه های امن زندگی کرده اند، ادغام مجدد در اجتماع چالش بر انگیز بوده است. آسیب پذیری اقتصادی هم با خطر مداوم بدنام شدن از طرف اجتماع و متهم شدن به عمل "زنا" یکجا است که در مورد آئنده از زنان قربانی خشونت که کار می کنند و مستقل شده اند نیز صدق می کند. در نتیجه، زنان اکثراً مجبور می شوند که به منزل والدین شان پناه ببرند و یا در صورت گرفتن طلاق، برای بار دوم تن به ازدواج بدهند.

^{۷۴} زیرنوشته شماره ۳۰ مشاهده شود.

۸. نتیجه گیری

پیشرفت های چشمگیری در زمینه محافظت حقوقی زنان در افغانستان از طریق تصویب و تطبیق قوانین ویژه برای حفاظت زنان قربانی خشونت مشاهده شده است. باوجود آن، کاستی های زیادی وجود دارد تا به آن رسیدگی شود تا زنان بتوانند در مطابقت با معیار های بین المللی حقوق بشر به عدالت دسترسی داشته و راه حل های قانونی بدست بیاورند.

در حالیکه جرم دانستن اعمال خشونت بار گام عمده ای برای مبارزه بر ضد معافیت از مجازات محسوب می شود اما با آنهم نیاز است که با یک سلسله تدابیری همراه باشد که محیط سالمی را برای زنان ایجاد کند تا اعمال خشونت بار را گزارش دهند، به راه حل های موثر دست یابند و یک زندگی عزتمند و عاری از ترس داشته باشند.

یوناما قضایای زیادی را ثبت نموده است که در آن زنان صدای نارضایتی خویش را در مورد خلای حقوقی بلند کرده است که برای شان راه حل های مدنی کافی عرضه نکرده و به نگرانی های جدی شان در مورد مصئونیت، حق حضانت، حق نفقه و حق ملکیت آنان پاسخ مناسب ارائه نمی تواند. تا زمانیکه به این نگرانی ها بگونه ای درست و فوری رسیدگی نشود، زنانیکه قربانی خشونت اند در وضعیت جدی آسیب پذیری قرار خواهند داشت و گزینه های زیادی برای رهائی از این وضعیت خشونتبار در دست نخواهند داشت. ناتوانی سیستم عدالت جزایی در امر تامین حسابدگی و حفاظت زنان از خشونت مانع جدی برای دسترسی به عدالت برای زنان قربانی خشونت باقی مانده است.

نگرش های منفی اجتماعی و درک غلط از آموزه های دینی در مورد حقوق زنان موانع بیشتری برای آنده از زنانی که می خواهند وضعیت خشونت بارشان را گزارش بدهند و به عدالت دسترسی پیدا کنند، ایجاد کرده است. در این تحقیق یوناما لزوم رسیدگی به علل اصلی خشونت و نیز پیامد های آن به شکل جامع و کامل برجسته ساخته شده است. بنابراین، تدابیری که بتواند زنان را از لحاظ اقتصادی توانمند سازد و ادغام مجدد شان در اجتماع را تامین کند نیز عوامل کلیدی است که باید دولت در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان آنرا در اولویت کار خود قرار دهد.

استفاده گسترده از میانجیگری که در این تحقیق بازتاب یافته است، نشان می دهد که زنان قربانی خشونت، میانجیگری را راه قابل دسترس، سریع، ارزان و از لحاظ فرهنگی قابل قبول برای تامین عدالت و دستیابی به راه حل مشکلات شان تصور می کنند.

با وجود این، روند های میانجیگری باعث بروز نگرانی ها در مورد حقوق بشر شده است؛ بطور اخص، در مورد نحوه کسب رضایت آگاهانه و اختیاری قربانی خشونت جهت شمولیت در میانجیگری؛ منصفانه بودن، استقلالیت و شفافیت روند میانجیگری و اینکه چه کسانی این روند را به پیش می برند و چگونه به پیش می برند و تضمین دست یافتن به یک نتیجه مناسب و پیگیری تطبیق فیصله هائی که با رضایت طرفین حاصل می شود، نگرانی هائی وجود دارد. یوناما پیشنهاد میکند که

تمامی نهاد های که میانجیگری می کنند، باید فعالیت های شان طبق یک چارچوب حقوقی که در مطابقت به نورها و معیارات حقوق بشر باشد، تنظیم گردد و نظارت مناسب بر فعالیت های شان وضع گردد.

با توجه به شمار زیاد قضایای که از طریق میانجیگری حل و فصل می شود و تاکید بیشتر فرهنگی روی حل و فصل منازعات از طریق میانجیگری، یوناما یکبار دیگر تاکید می کند که قضایای جدی خشونت علیه زنان باید همیشه طبق احکام قانوناز طریق فیصله های قانونی در محاکم مورد تعقیب عدلی قرار گیرند نه از طریق میانجیگری؛ این یک پالیسی باشد و از سوی مقامات عدلی وقضایی در عمل اجراء گردد..

یوناما از دولت می خواهد تا به پیشنهادات مندرج این گزارش، به عنوان بخشی از تلاش های دوامدار یوناما در راستای حمایت از دولت در کار خاتمه بخشیدن به خشونت علیه زنان و دختران، عمل کند.

ضمیمه ۱: نمونه هائی از شرایط وضع شده در فیصله های میانجیگری

شرایط وضع شده بالای عاملین خشونت	شرایط وضع شده بالای قربانیان	شرایط وضع شده بالای اشخاص ثالث
• اعتراف یا اظهار ندامت • طلب بخشش • تعهد مبنی بر عدم تکرار • تهیه تلفون برای قربانی تا در صورت تکرار خشونت علیه وی، طلب کمک نماید • وعده برای ترک نمودن استفاده از مواد مخدر • جدا نساختن قربانی خشونت از فرزندانش • عدم مداخله اعضای فامیل در امور زناشویی • تغییر منزل به جائی مجزا از سایر اعضای فامیل (بطور مثال فامیل خسر) • وعده عدم ترک منزل بار دیگر • دعوت فامیل قربانی توسط فامیل مرتکب خشونت به مناسبت های گوناگون برای استحکام روابط • تهیه نیاز های اولیه (غذا، لباس، مصارف زندگی) برای قربانی خشونت و فرزندانش • تهیه غذا برای قربانی خشونت همگون با غذائی که به فامیل خسر اش تهیه می شود • در صورت مریض شدن قربانی خشونت و یا فرزندانش بردن آنان به شفاخانه و پرداخت هزینه های درمان • تهیه خانه گرم • دادن اجازه برای قربانی خشونت تا	• به تعویق انداختن دعوای طلاق برای ۲ و یا ۳ ماه • دعوت خانواده های قربانی و عامل خشونت از یکدیگر در مناسبت های مختلف برای استحکام بیشتر روابط • اجازه خواستن از والدین قبل از بیرون رفتن از منزل • انصراف از طلب مهر بالغ به ۵۰۰۰۰ افغانی (تقریباً ۸۷۵ دالر امریکایی) جهت کسب طلاق	• پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی (تقریباً ۸۷۵ دالر امریکایی) از طرف شوهر آینده، شخصیکه دختر با او از منزل فرار نموده است، برای برادر قربانی (شخصیکه در مخالفت با عروسی عامل خشونت بوده است) • پرداخت مبلغ ۳۲۰۰۰۰ افغانی (تقریباً ۶۰۰۰ دالر امریکایی) از طرف شوهر آینده، شخصیکه دختر با او از منزل فرار نموده است من حیث "شیربها"^{۷۶} برای پدر قربانی

^{۷۶} شیربها مبلغی است که از سوی خانواده داماد به خانواده عروس به عنوان بخشی از مراسم عروسی پرداخت می شود.

		باخویشاوندانش دیدار نماید بشمول واقعه فوتی در خانواده • دادن اجازه به اطفال تا به مکتب بروند • دادن اجازه به شخص قربانی برای جستجوی فرصت های شغلی و استفاده از حق کار • تهیه نمودن دو نمره زمین برای هر یک از دو پسر قربانی خشونت • پرداخت مبلغ ۱۴۰۰۰ افغانی (حدود ۲۴۵ دالر امریکایی) بطور "مرهمانه"^{۷۵} بطور مستقیم به قربانی خشونت برای عفو • باز پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰ کلدالر پاکستانی تقریباً ۵۰۰ دالر امریکایی) توسط فامیل دختر برای فامیل عامل خشونت بخاطر مصارف نامزادی
--	--	---

^{۷۵} طبق عنعنات محلی، شخص باید مبلغی به نام مرهمانه بپردازد که به معنی پذیرفتن تقصیر در یک موضوع مشخص می باشد.